

\* نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در این نشست حزب‌های برادر را در جریان تحول‌های سیاسی ایران و تحلیل حزب ما از سمت‌گیری سیاسی دولت روحانی و برآمدهای آن، مبارزه زحمتکشان میهن و شرایط حساس و ملتهب خاورمیانه قرار داد

\* بیانیه احزاب کمونیست و کارگری در ارتباط با اوضاع اوکراین

نشست کارگروه تدارک شانزدهمین همایش سالانه حزب‌های کمونیست و کارگری جهان در روزهای ۳۱ خردادماه

ادامه در صفحات ۸ و ۹

## برگزاری نشست کارگروه تدارک همایش سالانه احزاب کمونیست و کارگری جهان



شماره ۹۵۰، ۹ تیر ۱۳۹۳  
دوره هشتم، سال بیست و هشتم

## برنامه مقررات زدایی، منافع زحمتکشان را پایمال می‌کند

بحثی کوتاه درباره پیامدهای برنامه مقررات زدایی و اثر آن بر امنیت شغلی طبقه کارگر

چندی است که رژیم ولایت فقیه و ارگان‌های آن - به ویژه وزارت کار - با مانورهای فریبکارانه در محافل بین‌المللی در خصوص الگوی رشد اقتصادی و حقوق کارگران ایران به تبلیغات می‌پردازند. افشای این مانورهای فریبکارانه رژیم در اوضاع کنونی از اهمیت جدی برخوردار است. در دیدار اخیر ربیعی، وزیر کار رژیم ولایت فقیه، با مانوئل دیاس، وزیر کار برزیل، در ژنو، دو طرف به امضای یادداشت تفاهمی در تهران توافق کردند. مطابق گزارش ۲۰ خردادماه خبرگزاری مهر، با اشاره به

ادامه در صفحات ۲ و ۳

## ورزش و سیاست‌های رژیم ولایت فقیه

یازده گلدیاتور ایرانی در

جام جهانی فوتبال در ص ۱۰

حضور نماینده حزب توده ایران در

کنگره حزب کمونیست آمریکا در ص ۱۱

دستاوردها و چالش‌های گذار

دموکراتیک ملی در آفریقای جنوبی پس

از آپارتاید در ص ۱۳

## درس‌هایی از تاریخ: اصلاح طلبان دوره رضاخانی، و دگر دیسی "اصلاح طلبان" متحد حسن روحانی

حزب کمونیست ایران در اورمی (رضائیه) - توانست این حزب نوبنیاد را سردرگم کند و در عرصه دید آن همچون فردی ملی و ضد انگلیسی جلوه کند. رضا شاه با حزب‌های اصلاح طلب، که اغلب در بردارنده قشرهای سنتی جامعه بودند و در مجلس دوم مشروطه اکثریت را داشتند، توانست ائتلاف کند و همچنین نظر حزب‌های اصلاح طلب راست را نیز که به طور غالب جناح راست بورژوازی در انقلاب مشروطه بودند و در حزب "تجدد" گرد آمده بودند به جانبداری از خود برانگیزد. رضا شاه در دوره مجلس چهارم، به دلیل انجام مجموعه‌یی از اصلاحات غیردینی [سکولار] برای مدتی حمایت حزب اجتماعیون - که رهبر آن یکی از شخصیت‌های بسیار محترم و محبوب انقلاب مشروطه، یعنی سلیمان میرزا اسکندری بود - را توانست به خود جلب کند.

کنکاش درعامل‌ها و بررسی چگونگی شرایطی که بر بستر آن‌ها رضا شاه این بازی ماهرانه را در این مقطع تاریخی توانست انجام دهد، می‌تواند برای فعالیت میهن‌دوستان و عدالت‌جویان امروز مفید باشد. در ارتباط با این عامل‌ها و شرایط، پنج زمینه مشخص را می‌توان بررسی

زمانی که انقلاب و یا جنبش اجتماعی‌ای شکست می‌خورد آن‌گاه رهبران دروغین قدم پیش می‌گذارند. آنان خواست‌ها و شعارهای این انقلاب و یا جنبش شکست خورده را به عاریت می‌گیرند و سعی می‌کنند آن‌ها را از محتوا خالی و یا مسخشان کنند. این گونه حضور رهبران دروغین بارها در تاریخ مبارزات مردمی روی داده است و در برهه‌هایی از تاریخ کشور ما نیز موردهایی از این دست وجود دارد که می‌توانند برای میهن‌دوستان و آزادی‌خواهان طرفدار عدالت اجتماعی عبرت آموز باشند. دوره به سلطنت رسیدن رضا خان [۱۳۰۴] یکی از این موردها است. رضاشاه اگرچه با کودتا به قدرت رسید، اما پایه گذاری دیکتاتوری اوصفا و تنها از طریق کودتا نبود. رضا خان از مقطع کودتای اسفند [سید ضیاء طباطبایی] تا سال ۱۳۰۴ و مجلس پنجم شورای ملی - که در خلال آن دوره تاج و تخت را به دست آورد - مسیر پرپیچ و خمی را سپری کرد و در کنش‌هایی بسیار ماهرانه با سازمان‌ها، حزب‌ها، و جمعیت‌های باقی‌مانده از انقلاب مشروطه توانست به قدرت مطلق دست یابد. رضا خان در ابتدا در قامت و هیئت فردی ملی و ضد استعمار [ضد استعمار انگلیس] در عرصه ظاهر شد و از این راه و در دوره زمانی ای پنج - شش ساله توانست نظر تقریباً تمامی حزب‌های ملی، ترقی‌خواه، و ضد استعمار را به خود جلب کند و حمایت آن‌ها را نسبت به خود برانگیزد. رضا خان در دوره‌یی چهارساله - یعنی از کنگره انزلی (۱۲۹۹) تا تشکیل کنگره بعدی

ادامه در صفحات ۶ و ۷

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

### برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه"!



## ادامه برنامه مقررات زدایی...

دستاوردهای برزیل در عرصه توسعه، کار، رفاه اجتماعی، اشتغال، و مبارزه با فقر، ربیعی گفت: "معتقدم دو کشور تجربیات ارزشمندی را در این حوزه‌ها دارند و می‌توانند با یکدیگر همکاری مناسبی داشته باشند... الگوی توسعه برزیل نشان می‌دهد به جز الگوهای غربی نیز می‌توان مدل‌های اقتصاد بومی را مانند برزیل تجربه کرد."

همان‌طور که ربیعی اعتراف می‌کند، الگوی رشد و توسعه برزیل فاصله معینی با نسخه‌ها و برنامه‌های اقتصادی مورد نظر نهادهای امپریالیستی صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی دارد؛ و در سالیان اخیر، در زمان ریاست جمهوری "لولا داسیلوا" و "دیلما روسف"، با اجرای برنامه‌هایی در جهت عدالت اجتماعی از میزان فقر کاسته شده است. در صورتی که از زمان آغاز به کار دولت یازدهم، یعنی در مدت کوتاه یک سال، خود روحانی و هیئت‌های بلند پایه‌ای از دولت "تدبیر و امید" در چهار نوبت با مسئولان ارشد نهادهای امپریالیستی صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، و کریستین لاگارد، مدیر عامل صندوق بین‌المللی پول، دیدار کرده‌اند. حتی هنگام شرکت هیئت نمایندگی رژیم ولایت فقیه در اجلاس بهاره صندوق بین‌المللی پول در آمریکا، برای "ارتقای نظام مالی در ایران و کشورهای منطقه"، روز ۲۲ فروردین ماه ۹۳، ولی الله سیف، رئیس بانک مرکزی رژیم ولایت فقیه، از کریستین لاگارد تقاضا کرد: "دوره‌های آموزشی" ای در تهران برگزار کند؛ لاگارد نیز به خواست سیف "قول مساعد داد." به عبارت دیگر، کارگزاران رژیم ولایت فقیه در نظر دارند ایران را به مرکز آموزشی برنامه‌های اقتصاد نولیبرالی در خاورمیانه تبدیل کنند. کسانی که برای دستیابی به پول‌های کلان و حفاظت از منافع طبقاتی‌شان، سه دهه پیش به مردم کشورشان پشت کرده‌اند حالا تنها راه بقای خود را در اجرای موبه‌موی برنامه‌های دیکته شده از سوی نهادهای امپریالیستی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی می‌بینند. این برنامه‌ها شامل چپاول اموال و منابع ملی زیر عنوان خصوصی سازی، مقررات زدایی در محیط و روابط کار برای به اسارت کشیدن کارگران زیر عنوان اقتصاد آزاد، و ارزان کردن نیروی کار برای کلان سرمایه داران و سرمایه‌داری انگلی داخلی، و جذب انحصارات خارجی است. علاوه بر برنامه‌های اقتصادی شدیداً ضدملی، رژیم ولایت فقیه یکی از فاسدترین رژیم‌های دیکتاتوری دنیا نیز است.

کارگران برزیل از حق تشکلیابی، اعتصاب... برخوردارند. دستمزد کارگران برزیل از طریق مذاکره اتحادیه‌های کارگری آنان با کارفرمایان و به‌طور دستجمعی تعیین می‌گردد. برای روشن شدن و راستی‌آزمایی "تجربیات ارزشمند" رژیم ولایت فقیه، به خلاصه‌ی از برنامه‌های اقتصادی بغایت ضدملی رژیم ولایت فقیه، شرایط کاری کارگران در ایران، امنیت شغلی کارگران، دستمزد کارگران، و فساد لگام گسیخته در رژیم ولایت فقیه اشاره می‌کنیم.

ربیعی - در دیدار با وزیر کار برزیل - گفت: "از اینکه برزیل قدرت هفتم اقتصادی جهان است بسیار خرسندم." در صورتی که با اجرای برنامه اقتصادی دیکته شده از سوی صندوق بین‌المللی پول و حذف بی‌رحمانه یارانه‌ها زیر عنوان "هدفمندی یارانه‌ها"، در چهار سال اخیر ما شاهد تعطیلی هزاران کارخانه تولیدی و بیکاری میلیون‌ها کارگر ایرانی بوده‌ایم. وزیر کار برزیل گفت: "برزیل توانسته است طی چهار سال ۵ میلیون فرصت شغلی ایجاد کند." در مقابل، ربیعی اعلام کرد: "برای حل مشکل بیکاری در ایران سالانه به بیش از یک میلیون فرصت شغلی نیاز داریم و ما در این زمینه از سرمایه‌گذاری خارجی برای پیشبرد برنامه‌های اقتصادی استقبال می‌کنیم." ۷ خردادماه خبرگزاری مهر "نرخ بیکاری جوانان را رقمی بین ۲۳ تا ۲۴ درصد" و نرخ بیکاری زنان را "رقم نجومی ۴۳ درصد" گزارش کرد.

بنا به گزارش ایلنا، ۳ تیرماه، تحصن بیش از ۵ هزار کارگر معدن سنگ‌آهن بافق وارد سی و هشتمین روز خود شده است. روز ۲۶ خردادماه یکی از کارگران معترض به خبرگزاری ایلنا گفت: "بیشتر قراردادهای کار... موقت است و اگر این کارگران با کارفرما یا پیمانکار به مشکل برخوردند، قراردادهایشان تمدید نمی‌شود... کارگران

از تعدیل نیرو و کاهش دستمزد در پی خصوصی سازی معدن نگران‌اند چرا که کارفرمای بخش خصوصی به دنبال افزایش تولید با هزینه کمتر به منظور دستیابی به سود بیشتر است... بیماری‌های قلبی، ربوی، سرطان... در میان کارگران معدن به دلیل آلودگی زیست محیطی شدید به امری رایج تبدیل شده است... قانون مشاغل سخت و زیان آور هنوز برای این کارگران اجرا نشده و آن‌ها از مزایایی نظیر حق اشعه محروم مانده‌اند." با این حال، ربیعی، ۳۱ خردادماه، با تاکید "بر اجتناب ناپذیر بودن خصوصی سازی برای پیشرفت کشور"، گفت: "متأسفم که اعلام می‌کنم خصوصی سازی در صنعت و معدن فرایند موفقی نداشته و حتی به بیکاری گسترده در این واحدهای تولیدی منجر شده است."

سید حسن هفده‌تن، معاون روابط کار ربیعی، به خبرگزاری مهر، ۱۸ خردادماه، گفت: "در سال گذشته ۹۰ درصد کل قراردادهای کار در کشور موقت بوده است." ربیعی به خبرگزاری مهر، ۷ اردیبهشت‌ماه، گفت: "در بازرسی‌های کار تجدید نظر و برخی از بازرسی‌ها را برون سپاری کردیم"، و روز ۳۰ اردیبهشت‌ماه مجلس سرسپرندگان به ولایت به وزارت صنعت، معدن و تجارت برای "انعقاد قرارداد کار معین [قرارداد موقت]" با ۳۵۰۰ بازرس شاغل در حوزه نظارت بر بازار موافقت کرد. به عبارت دیگر، خود وزرای مرتجع دولت "تدبیر و امید"، شغل کارمندان و کارگران را از رسمی به "موقت" تبدیل می‌کنند. یکی از اعضای شورای اسلامی کار سازمان بهشت زهرا، روز ۱ تیرماه، از احتمال تعدیل ۱۵۰ نفر از کارگران شاغل در این سازمان خبر داد و به ایلنا گفت: "قرار است موضوع تعدیل احتمالی آن‌ها در راستای استمرار سیاست‌های خصوصی سازی این سازمان اجرا شود." مدیر منابع انسانی سازمان بهشت زهرا، محمد رضا راستین منش، گفت: "هر گونه جایجایی در ترکیب منابع انسانی سازمان بهشت زهرا در راستای اجرای "برون سپاری" انجام می‌گیرد... در این سازمان استخدام رسمی مدتی قبل متوقف و نیروهای سازمان در حال انتقال به شرکت‌های پیمانی هستند... طی بخش‌نامه داخلی، سازمان به بخش‌های خود اعلام کرد تا "نیروهای مازاد" خود را اعلام کند..."

روحانی، در خلال سخنرانی‌اش در اجلاس مجمع عمومی اتحادیه رادیو تلویزیون‌های کشورهای اسلامی، ۴ خردادماه، گفت: "باید صدق حدیث و ادای امانت سرلوحه کارمان باشد." او همچنین روز ۱۹ خردادماه، با تاکید بر نرخ تورم ۴۰ درصد و افزایش حقوق ۲۵ درصد کارگران، اعلام کرد: "در صورت انتخاب به سمت ریاست جمهوری، دستمزد کارگران را طبق قانون به اندازه تورم افزایش خواهم داد"، اما روز ۲۲ مردادماه - پیش از انتخاب شدن به سمت ریاست جمهوری، دوباره اعلام کرد: "ماده ۴۱ قانون کار صراحت دارد حداقل مزد

## ادامه برنامه مقررات زدایی...

کارگران بایستی بر اساس نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی تعیین شود و بگونه‌ای باشد که معاش یک خانوار ۴ نفره کارگری را تأمین کند. ربیعی نیز، بنابر گزارش مهر، ۲۶ مرداد ماه، اعلام کرد: "مزد سال ۹۲ با توجه به عدم رعایت دقیق قانون یعنی عدم اعمال تورم اعلامی مرکز آمار ایران... باید... اصلاح شود." کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران در نامه‌یی به روحانی، ۱۰ مهرماه، نوشت: "از شما به عنوان رئیس جمهور انتظار می‌رود که به وعده زمان انتخابات خود در خصوص ترمیم دستمزد کارگران عمل کنید." بر اساس گزارش‌های ۲۱ و ۲۳ اسفندماه ۹۲ ایلنا: "هزینه سبد معیشت خانوار براساس خط فقر یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان" و نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی و مرکز آمار به ترتیب ۳۳ و نیم و ۳۶ و نیم درصد بود. همان‌طور که همه می‌دانیم، نه فقط مزد سال ۹۲ اصلاح نشد، بلکه به‌رغم نرخ تورم ۳۶ و نیم درصدی و خط فقر یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومانی، ربیعی در ۲۳ اسفندماه ۹۲ گفت: "شورای عالی کار با... اجماع تمام و رأی مطلق اعضا و ناظران تشکل‌های [دولت‌ساخته] کارگری... به نوعی اجرای فرمان مقام معظم رهبری و طیبه سال و نیز اجرای برنامه اقتصاد مقاومتی" مصوبه مزد ۹۳ را با افزایش ۲۵ درصدی پایه دستمزد کارگران و به مقدار ۶۰۸ هزار و ۹۰۰ تومان [یعنی تقریباً یک سوم خط فقر] به تصویب رسید. در فروردین ماه ۹۲ تعدادی از تشکل‌های مستقل و برخی از تشکل‌های رسمی [دولت‌ساخته] کارگری از مصوبه مزدی ۹۲ به دیوان عدالت اداری شکایت کردند. چون بعد از گذشت بیش از یک سال، کارگران هنوز پی‌گیر شکایت خود بودند، بعد از موضع‌گیری‌های متضاد در طول یک سال، رئیس دیوان عدالت اداری، محمد جعفر منتظری، روز ۹ اردیبهشت‌ماه، اعلام کرد: "هفته آینده به عنوان هدیه به کارگران رسیدگی به پرونده‌های آن‌ها در دستور کار قرار می‌گیرد." روز ۱۶ اردیبهشت‌ماه، نبی‌الله کرمی، نایب رئیس کمیسیون تخصصی کار و تأمین اجتماعی دیوان عدالت اداری نیز گفت: "شکایت کارگران... با حضور ۹۰ قاضی مورد بررسی قرار می‌گیرد"، ولی قبل از ارائه حکم از سوی ۹۰ قاضی، کرمی بلافاصله اضافه کرد: "اگر دستمزد کارگران افزایش یابد امکان پرداخت این دستمزد در کارگاه‌های کوچک وجود ندارد یا ممکن است کارگران بیشتری بیکار شوند." در نهایت، ۲۲ اردیبهشت‌ماه، علی اکبر بختیاری، رئیس حوزه ریاست دیوان عدالت اداری به خبرگزاری مهر گفت: "شکایت کارگران نسبت به تعیین دستمزد سال ۹۲ در هیئت تخصصی دیوان عدالت بررسی و از سوی هیئت تخصصی رد شد." منتظری، در توضیح عملکرد دیوان عدالت [بخوان: دیوان بی‌عدالتی] اداری، بنا به گزارش خبرگزاری ایسنا، ۲۷ خردادماه، گفت: "در مجموع ۲۰ قاضی درخواست کارگران را بررسی کرده و شکایت آن‌ها را وارد ندانستند... هیأت تخصصی هم با دقت بررسی کردند و به اتفاق آراء شکایت را رد کردند." و بالاخره، بعد از اعلام کارگران به شکایت به کمیسیون اصل ۹۰ علیه دیوان عدالت اداری، مطابق گزارش خبرگزاری مهر، ۲۹ خردادماه، منتظری اعلام کرد: "شکایت کارگران در کمیسیون اصل ۹۰ علیه دیوان عدالت به جایی نمی‌رسد و آن‌ها شکایت ما را به خدا بکنند شاید در آنجا به نتیجه برسد." نخست اینکه، از گفته منتظری چنین برمی‌آید که حتی یکی از ۲۰ قاضی هم به نفع کارگران رأی نداده است؛ دوم اینکه، رسیدگی به شکایت کارگران از گفته کرمی که "به‌عنوان هدیه به کارگران"، و گفته منتظری که کارگران "شکایت ما را به خدا بکنند"، نشان دهنده نهایت زورگویی مستولان واپس‌گرای رژیم ولایت فقیه است. البته مزد ۶۰۸ هزار و ۹۰۰ تومانی، تنها در جایی که قانون اجرا می‌شود پرداخت می‌گردد. ایلنا، در دو گزارش، ۲۸ و ۲۲ اردیبهشت‌ماه، نوشت: "شرکت مخابرات با کارگران مخابرات روستایی قراردادهای ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومانی منعقد می‌کند"، و کارگران شرکت پوشینه بافت قزوین "از ۵ تا ۶۲ ماه مطالبات مزدی طلبکار هستند." مستولان حکومتی با وصف پشت کردن به وعده‌هایشان در رابطه با مزدهای ۹۲ و ۹۳، با اجرای فاز دوم "هدفمندی پارانها" و افزایش ۲۰، ۲۴ و ۷۵ درصدی قیمت آب، برق و بنزین، شرایط معاش کارگران را وخیم‌تر نیز کرده‌اند. مطابق گزارش ۶ اردیبهشت‌ماه خبرگزاری مهر درباره افزایش

قیمت حامل‌های انرژی و احتمال افزایش دوباره دستمزد کارگران ربیعی گفت: "دستمزدها همین دستمزدها هستند و تغییری نخواهند داشت." ربیعی، این وزیر مرتجع و عوام‌فریب، اما در انتظار عمومی و در به‌اصطلاح مراسم تقدیر از کارگران استان مرکزی، ایلنا، ۱۳ اردیبهشت‌ماه، اعلام کرد: "کرامت کارگر باید از بهبود وضعیت پرداخت دستمزد آغاز شود... در کنار تلاش دولت راستگویان می‌توان به رعایت کرامت کارگران نیز امیدوار بود."

به‌نظر ربیعی، و دیگر کارگزاران واپس‌گرای رژیم ولایت فقیه، صرف توصیف شرایط اقتصادی فلاکت بار و بیان دزدی‌های کلان و فساد گسترده در رژیم ولایت فقیه، یا صرف انداختن گناه بی‌عدالتی‌ها به گردن دزدان پیشین، مشکل کارگران و مردم رنج‌دیده ایران را حل کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، علی طیب نیا، وزیر اقتصادی و امور دارایی رژیم، ۲۷ خردادماه، گفت: "اکنون اعلام می‌شود که معوقات بانکی ۸۰ هزار میلیارد تومان است، در صورتی که در واقعیت این رقم حدود ۱۵۰ هزار میلیارد بوده [است]." حتی یکی از خودی‌هایشان، یعنی محسن کرگانی، رئیس دیوان عالی کشور، نیز به وقاحت این عملکرد پی برده است و در ۲۹ خردادماه، گفته است: "چرا مستولان ما علت‌یابی نمی‌کنند و فقط معلول‌ها را در رسانه‌ها به گوش مردم می‌رسانند؟" مزدوران رژیم در روز اول ماه مه ده‌ها فعال کارگری را به‌گناه گردهمایی و پخش شایری در روز جشن کارگران، دستگیر و روانه زندان کردند در حالی که گناه کاران و متخلفان واقعی اما خودی ۱۵۰ هزار میلیارد تومان پول مملکت را در چنگال‌هایشان قبضه کرده‌اند. مثلاً پورمحمدی، وزیر جنایتکار دادگستری، ۲۹ خردادماه، در مورد بایک زنجانی گفت: "معمولاً افرادی که بدهی مالی دارند طبعشان نیست که همکاری کنند و باید مبنیاتوری پیش رفت." [۱] "به گزارش خبرگزاری مهر، ۲۷ خردادماه، علی طیب‌نیا، با اشاره به ۵۳۰ بدهکار بزرگ بانکی، گفت: "از یک طرف قوه قضائیه تقاضای ارائه اسامی را دارد و از سویی دیگر مجلس می‌گوید که به تولید کننده فشار نیاید." روز ۲۹ سال جاری، محسنی اژه‌ای در نشست خبری ۲۹ اردیبهشت‌ماه‌اش، عده کسانی که معوقات بالای ۱۰ میلیارد تومان دارند را ۹۸۰ نفر اعلام کرد و در جواب این سؤال که "آیا بانک‌ها واقعاً مایل هستند که هیچ معوقه‌ای نداشته باشند" اعلام کرد: "آن‌ها رسماً به ما می‌گفتند که شما چرا وارد این مسائل می‌شوید. از‌های افزود: "می‌توانند بدهکاران خود را ممنوع‌الخروج کنند... بسیاری از بدهکاران کلان ممنوع‌الخروج نیستند... در پرونده فساد ۳ هزار میلیاردی... افرادی تحت تعقیب قرار گرفته‌اند اما هنوز محاکمه نشده‌اند." حالا باید دید همین بانک‌ها و کارگزاران واپس‌گرای رژیم ولایت فقیه با کارگران چگونه رفتار می‌کنند. ایلنا، ۳۱ خردادماه، از تجمع ۵۰ کارگر کارخانه قند و تصفیه اهواز در اعتراض به عدم دریافت ۴۵ ماه حقوق و مزایا در مقابل ساختمان مرکزی بانک ملی ایران در تهران گزارش داد. نماینده کارگران به ایلنا گفت: "بانک‌های ملی و ملت، به عنوان مالکان اصلی کارخانه ۴۵ ماه است علاوه بر پرداخت نکردن حقوق کارگران، کارخانه را به‌تکلیف و خط تولید آن را متوقف کرده‌اند."

نماینده کارگران با اشاره به اینکه تا کنون کارگران این کارخانه چندین بار جهت دریافت مطالبات قانونی خود در مقابل ادارات کار و صنایع و استانداری خوزستان دست به تجمع زده‌اند، گفت: "چون تمامی این اجتماعات در عمل بی‌نتیجه بود امروز برای پیگیری خواست‌های قانونی خود به تهران آمدیم." نماینده کارگران به ایلنا، ۱ تیرماه، گفت: "مدیران این بانک وعده پرداخت مطالبات کارگران ظرف سه روز آینده دادند... کل مطالبات کارگران کارخانه قند اهواز حدود ۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان است که باید طی دو روز باقیمانده بانک ملی با توافق بانک ملت [یکی دیگر از سهام‌داران کارخانه قند] به حساب کارگران واریز شود... این واحد قرار است ظرف چند ماه آینده مجدداً فعالیت تولیدی خود را از سر گیرد." به عبارت دیگر، همان بانک‌هایی که ۹۸۰ نفر با معوقات بالای ۱۰ میلیارد تومانی دارند و از قوه قضائیه فاسد رژیم ولایت فقیه می‌خواهند که "وارد این مسائل" نشوند، با ۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان می‌توانستند "۴۵ ماه حقوق و مزایای... ۸۰ کارگر کارخانه" قند و تصفیه شکر اهواز را پیش از آمدن‌شان به تهران به آنان پرداخت کنند.

مبارزه کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز، درکنار اعتصاب و تحسین کارگران معدن بافق، اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه، اعتصاب کارگران پتروشیمی تبریز و کارگران سیمان آبیک نشان می‌دهد که زحمتکشان میهن ما با پیگیری در مبارزه، به همبستگی و سازمان‌دهی نیاز فوری دارند. مبارزه در راه احیای حقوق سندیکیایی و برپایی تشکیلات مستقل کارگری، مبارزات کارگران را بسیار برنده‌تر خواهد کرد.



عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی محدودکننده حقوق و آزادی‌های دمکراتیک فردی و اجتماعی‌اند، مورد پذیرش و قبول اکثریت قاطع مردم ما نیست. طرح حجاب، طرحی شکست‌خورده و غیر قابل پذیرش برای جامعه امروز ایران است!

### نقش فاجعه‌بار سپاه پاسداران در حیات اقتصادی کشور

از زمان دولت رفسنجانی که قرارگاه خاتم‌الانبیاء سپاه پاسداران امکان و زمینه فعالیت گسترده اقتصادی در عرصه‌های مختلف را یافت تا به امروز، بسیاری از طرح‌های پرسود عمرانی از سدسازی گرفته تا حفاری تونل، صنایع نفت، صنایع دریایی، واردات و صادرات کالا، خرید و فروش ارز، ساختمان‌سازی و راه‌سازی و... در چنگ این نهاد زائد، سرکوبگر و سودجوی واپس‌گرا قرار گرفته و می‌گیرد. سپاه پاسداران یکی از

مرکزهای اصلی و قانون‌های ثروت و قدرت در رژیم ولایت‌فقیه است که فعالیت آن تأثیر فوق‌العاده ویرانگر بر اقتصاد ملی داشته و دارد.

در سالیان اخیر اغلب تأکید کرده‌ایم که به‌وسیله قرارگاه خاتم‌الانبیاء سپاه و دیگر شرکت‌های وابسته به آن به انجام رسیده به‌کلی فاقد استانداردهای لازم و ضرور بوده و زبان‌های مادی و انسانی‌ای بزرگ پدید آورده است. بحران و خشکی دریاچه‌های ارومیه و بختگان، تخریب محیط زیست منحصربه‌فرد کشور، وضعیت فاجعه‌بار برخی صنایع که در تملک سپاه قرار دارد و جز این‌ها، نتیجه مستقیم حضور ویرانگر سپاه در اقتصاد میهن ماست. در اواخر اردیبهشت ماه، نوبخت، سخنگوی دولت، در جریان "همایش سراسری هادیان سیاسی سپاه" اعلام کرده بود: "می‌خواهیم سپاه با بخش خصوصی رقابت کند... اکنون سپاه از ظرفیت‌های زیادی برای سازندگی و آبادانی کشور برخوردار است... کارهای بزرگی که از توان بخش خصوصی خارج است باید سپاه انجام دهد، الان این گونه پروژه‌ها را به نیروهای مسلح به ویژه قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء واگذار خواهیم کرد."

از جمله طرح‌هایی که "از توان بخش خصوصی خارج است"، می‌توان به احداث دریاچه پرهنینه "شهدای خلیج فارس" در تهران اشاره کرد، یعنی طرحی که میلیاردها تومان سود برای سپاه داشت و اکنون تبدیل به یک معضل زیست‌محیطی با عواقب خطرناک بیماری‌زا برای ساکن شهر تبدیل گردیده است. روزنامه شرق، ۳ خرداد ماه، در مطلبی با نام "سه پیشنهاد برای نجات دریاچه خلیج فارس"، با اشاره به حیف و میل میلیاردها تومان از ثروت ملی، می‌نویسد: "متأسفانه برخی اوقات طرحی را بدون مطالعات جامع و کافی انجام می‌دهیم، سپس بعد از برخورد با مشکلات به فکر رفع آن‌ها می‌افتیم که قاعدتاً آنچنان که باید نتیجه بگیریم، نمی‌گیریم و هزینه‌های زیادی را باید متحمل شویم... در ساخت دریاچه شهدای خلیج فارس... انظر اکولوژی آثار و عواقب زیست‌محیطی‌اش در نظر گرفته نشده و مهم‌ترین چالش این دریاچه به‌علت کمبود اکسیژن ناشی از عدم هوادهی و جریان آب آن است... دریاچه... به‌دلیل آب راکدی که هیچ منشأ تغذیه طبیعی و مصنوعی ندارد (و آب راکد بالاخره روزی می‌گندد) با مشکلات روبرو است... کف این دریاچه برخلاف تمامی استانداردهای علمی از پلاستیک ساخته شده است."

برای احداث این دریاچه میلیاردها تومان از درآمد ملی به جیب سپاه و شرکت‌های وابسته به آن سرازیر شد و اکنون این دریاچه یک معضل بیماری‌زا برای شهروندان است. مورد دیگر، احداث آزادراه خرم‌آباد - پل زال در استان لرستان است. خبرگزاری مهر، ۱۹ اردیبهشت ماه، گزارش داد: "آزادراهی که ابونان مردم را قطع کرد، زندگی روستاییان در بن بست شاهراه ترانزیتی... از افتتاح آزادراه خرم‌آباد - پل زال سال‌ها می‌گذرد ولی زخم این آزادراه (اتوبان) همچنان روستاییان حاشیه این پروژه عظیم را آزار می‌دهد، مشکلاتی که به نظر می‌رسد، گذر زمان از شدت آن‌ها که نکاسته بر ریخ آن نیز افزوده است... حدود ۳۰۰ هکتار زمین کشاورزی از دست روستاییان خارج شد... آب سراب معروف قلعه نصیر که از دیرباز ۱۵۰ هکتار اراضی زراعی و باغی را مشروب می‌کرد بر اثر عملیات بتن‌ریزی و خاک‌برداری آزادراه قطع و اراضی منطقه تبدیل به دیم شده است، عملیات راه‌سازی [آب] تمامی چشمه‌ها را خشک کرد. در حال حاضر به برخی روستاییان منطقه با تانکر آب‌رسانی صورت می‌گیرد. بر اساس نظریه کارشناسان تقریباً همه مناطق حوالی آزادراه از نظر توپوگرافی تپه‌ماهوری و کوهستانی و از نظر زمین‌شناسی دارای ضخامت آبرفت کم هستند... احداث بزرگراه در این منطقه یک فاجعه برای کشاورزی بود و اهمیت استراتژیک نیز ندارد و فقط سود سرشاری به جیب سپاه و دیگر مقاطعه‌کاران سرازیر کرد. مورد دیگر، احداث آزادراه تبریز - ارومیه است. سپاه حاضر نیست قطعه دوم این بزرگراه به



### مخالفت همگانی با طرح حجاب و عفاف و رشکستگی سیاست‌های فرهنگی رژیم

با آغاز فصل گرما، بار دیگر دستگاه‌های مختلف رژیم ولایت‌فقیه تبلیغات هدفمند برضد به اصطلاح "بدحجابی و بی‌حجابی" را از سر گرفته‌اند. تصویب طرح حمایت از ناهیان امر به معروف و نهی از منکر در مجلس شورای اسلامی، که بر اساس آن دست‌آویش بسیج و قشربون برای آزار و اذیت مردم به‌ویژه زنان و جوانان بازتر از پیش می‌شود، و همچنین هیاهوی نمایندگان مجلس در خصوص وضعیت پوشش زنان در جامعه، نمونه‌هایی از اقدام‌های واپس‌گرایان در ضدیت با حقوق دمکراتیک فردی و اجتماعی است. در این زمینه وزارت کشور دولت روحانی، در اوایل خردادماه، از برنامه‌ریزی این وزارتخانه در خصوص مبارزه با "بدحجابی" خبر داد. سخنگوی وزارت کشور اظهار داشت، با همکاری نیروی انتظامی برنامه‌هایی برای اجرائی کردن طرح عفاف و حجاب و امر به معروف و نهی از منکر تدارک دیده شده است.

به‌دنبال این موضع‌گیری، در اواسط خردادماه، یکی از فرماندهان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی با تأکید بر اینکه گشت‌های ارشاد و امنیت اخلاقی به فعالیت‌شان در طول تابستان ادامه داده و مانع از رواج "بدحجابی" خواهند شد، گفت که، فقط در سال گذشته به "بدحجاب‌ها" بیش از ۳ میلیون بار تذکر داده شده است. به‌عبارت دیگر، بیش از ۳ میلیون بار آوباش بسیج و گشت‌های نیروی انتظامی برای زنان و دختران سراسر کشور به‌ویژه شهرهای بزرگ مزاحمت ایجاد کرده و آن‌ها را مورد تهدید قرار داده‌اند. این آمار غیر از اعمال فشارهای روزانه و رایج در خیابان‌ها، ادارات، و مؤسسات دولتی و خصوصی است. براساس آمار دیگری که نیروی انتظامی انتشار داده است، گشت‌های امنیت اخلاقی در چند شهر بزرگ از جمله تهران از ۲۰۷ هزار و ۵۵ دختر و زن زیر نام "بدحجابی" تعهد کتبی گرفته‌اند و موجب آزار و اذیت این عده گردیده‌اند.

طرح‌هایی مانند "حجاب و عفاف" و "گشت‌های ارشاد و امنیت اخلاقی"، طی سالیان اخیر با بودجه‌های کلان در شهرهای کشور به‌اجرا درآمده‌اند و مداخله قشربون واپس‌گرا در زوایای شخصی و حریم خصوصی افراد را موجب شده‌اند. این طرح‌ها علاوه بر آنکه در سطح جامعه نوعی فضای رعب و وحشت به‌وجود می‌آورد، از موجبات رواج انحطاط فرهنگی نیز به‌شمار می‌آیند. این گونه طرح‌ها هرگز موفقیت‌مورد نظر واپس‌گرایان را کسب نکرده‌اند و نخواهند کرد. نکته مهم اینکه، ادامه اجرائی این طرح‌های ضد‌مردمی و واپس‌مانده، نشانه آشکاری از ورشکستگی فکری و سیاسی رژیم ولایت‌فقیه قلمداد می‌گردد. بیش از سه دهه تسلط ارتجاع پس از شکست انقلاب، رژیم در هراس از مردم به سیاست‌های سرکوبگرانه متوسل می‌شود، زیرا هیچ‌یک از برنامه‌ها به ویژه در

## ادامه رویدادهای ایران ...

طول ۱۵ و نیم کیلومتر خاکریز میان‌گذر دریاچه ارومیه را تعطیل کند. به نظر کارشناسان اتمام این میان‌گذر سبب مرگ ابدی دریاچه ارومیه می‌شود. شرکت‌های وابسته به سپاه پاسداران با تکیه به نفوذ سپاه حاضر نیستند عملیات جاده‌سازی به‌ویژه در میان‌گذر دریاچه ارومیه را متوقف کنند. آنچه مورد اشاره قرار گرفت فقط مشتی از خروار بود. نقش سپاه در صنایع نفت، پتروشیمی و سیستم مالی بسیار مخرب‌تر و فاجعه‌بارتر بوده و هست!

## خواست‌های زحمتکشان، سازمان جهانی کار، و سیاست‌های رژیم

جمهوری اسلامی برای دومین بار به‌مقام عضو اصلی هیئت مدیره سازمان جهانی کار (آی - آل - او) انتخاب شد. این امر دستاویز تبلیغات گسترده‌ای در داخل کشور، به‌ویژه در رویارویی با جنبش کارگری میهن‌ما، قرار گرفته است و مداحان و بلندگویان رنگارنگ رژیم ولایت‌فقیه آن را کامیابی‌ای مهم معرفی می‌کنند.

در این خصوص خبرگزاری مهر در گزارشی نوشت: «قائم‌مقام وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی در امور بین‌المللی اظهار داشت... این انتخاب از جانب گروه آسیا و اقیانوسیه مورد حمایت قرار گرفت و در رأی‌گیری کنفرانس که روز ۱۲ خرداد ۹۳ در مقر سازمان بین‌المللی کار در ژنو صورت گرفت با رأی قاطع اعضا به عنوان عضو اصلی هیئت مدیره انتخاب شد... با توجه به اختیار هیئت مدیره به عنوان نهاد اصلی تصمیم‌گیری در سازمان بین‌المللی کار و از جمله نقش نظارتی این سازمان در رابطه با اجرای مقاله‌نامه‌های بنیادین، حضور کشورمان در جمع هیئت مدیره از اهمیت زیادی برخوردار است و در جهت‌دهی و تصمیمات سازمان بین‌المللی کار تأثیرگذار است... قائم‌مقام وزیر کار... افزود، ربیعی [وزیر کار] در این سفر علاوه بر سخنرانی در مجمع عمومی کنفرانس با مدیرکل سازمان و تعدادی از وزرای کار کشورهای شرکت‌کننده ملاقات... و قراردادهای همکاری بین جمهوری اسلامی و کشور برزیل در حوزه همکاری‌های اجتماعی و انتقال تجربیات در زمینه کارآفرینی [بخوان: کارفرمایی] و اشتغال به امضاء خواهد رسید.» علاوه بر این، جمهوری اسلامی قرارداد همکاری با بخش آموزش سازمان جهانی کار را نیز به امضاء رساند.

عضویت رژیم ولایت فقیه در هیئت ریسه این نهاد وابسته به سازمان ملل متحد و تبلیغات پرسروصدا پیرامون آن، با هدف مشخصی صورت می‌گیرد. رژیم درحالی‌باردیگر در هیئت مدیره سازمان جهانی کار به فعالیت ادامه خواهد داد که این رژیم از جمله کشورهای نقض‌کننده مقاله‌نامه‌های بنیادین به‌ویژه مقاله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ مصوبه این نهاد است.

مقاله‌نامه ۸۷ سازمان جهانی کار که در پرتو فعالیت فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری در سال‌های پس از جنگ دوم جهانی (سده بیستم) به تصویب رسیده است، بر حقوق سندیکایی زحمتکشان و آزادی‌های سندیکایی ناظر است. رژیم به‌شکل خشنی این مقاله‌نامه را پای‌مال می‌کند و از دسترسی کارگران میهن‌مان به حقوق بدیهی سندیکایی‌شان مانع می‌شود.

فعالیت تشکل‌های وابسته به حکومت، یعنی تشکل‌های زرد و ارتجاعی‌ای چون انجمن شوراهای اسلامی کار، خانه کارگر و از این قبیل، درست با مندرجات مقاله‌نامه ۸۷، آزادی سندیکایی، و حقوق سندیکایی به معنی واقعی، در تناقض قرار دارد. همچنین مقاله‌نامه ۹۸ - که بر حق تشکل و مذاکره دستجمعی ناظر است - در میهن ما از سوی دولت‌های مختلف نادیده گرفته و پای‌مال شده و می‌شود. بنابراین، حضور رژیم در هیئت مدیره سازمان جهانی کار دلایلی کاملاً سیاسی داشته است و در تقابل با حقوق و منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان کشور قرار می‌گیرد. انگیزه و هدف اصلی حاکمیت از این اقدام، بزرگ چهره کریمه و ضد کارگری رژیم واپس‌مانده ولایت‌فقیه است. این مسئله به‌ویژه با مانورهای وزارت کار برای مهندسی خواست‌های طبقه کارگر باهقول ربیعی «باغبانی» در ارتباط مستقیم است. درعین‌حال انتخاب رژیم برای بار دوم در هیئت مدیره این نهاد، تجربه ارزنده‌ای برای جنبش کارگری و سندیکایی موجود میهن‌ماست تا با شناخت دقیق‌تر و به‌دور از بیمارانه تبلیغاتی جریان‌های «سندیکایی» خدمتگذار سرمایه، تحول‌های درونی این نهاد و نقش دولت‌های بزرگ و گروه کارفرمایان در آن را مدنظر قرار دهد و از هرباره مبارزه خود را در راستای صحیح طبقاتی به سود خواست‌های زحمتکشان ایران - به‌ویژه احیای حقوق سندیکایی - به پیش ببرند!

## قراردادهای جدید نفتی: بازگشت به دوران اسارت بار کنسرسیوم

رسانه‌های همگانی، اوایل خردادماه، با آب و تاب فراوان تغییر در قراردادهای نفتی را اعلام کردند. روزنامه دنیای اقتصاد، ۴ خردادماه، در مطلبی با عنوان: «استارت انقلاب در صنعت نفت»، از جمله نوشت: «بالاخره پس از مدت‌ها از زمان اعلام برنامه تغییر در قراردادهای نفتی ایران، مهم‌ترین محورهای قرارداد جدید تحت عنوان قرارداد نفتی ایرانی (آی - پی - سی) رونمایی شد.» در ادامه این گزارش خاطر نشان می‌شود: «سرمایه‌گذاران خارجی با قراردادهای جدید نفتی جذب می‌شوند. ... مهدی حسینی، رییس کمیته بازرگاری قراردادهای نفتی با تأکید بر ضرورت عبور از تحلیل‌های گذشته در مورد نفت [به لحن و محتوای این عبارت ت خوب توجه کنید!؛ لزوم پیوند منافع نفتی ایران و شرکت‌های خارجی را مورد اشاره قرار داد. ... حسینی رییس کمیته بازرگاری قراردادهای نفتی به تشریح این قراردادهای نفتی پرداخت. ... وی با اشاره به اینکه تحلیل‌های دهه ۵۰ و ۶۰ [این دهه‌های سده بیستم میلادی مصادف است با جنبش ملی کردن صنعت نفت و خلج‌یزد انگلیس به‌وسیله دولت ملی دکتر محمد مصدق] درباره نفت چندان درست نیست و دنیای امروز تغییر کرده است... بعد از ملی‌شدن صنعت نفت شرکت‌های خارجی مجبور شدند در چارچوب قرارداد افزایش ضریب بازیافت را تأمین کنند. درحالی‌که هرچه منافع ما با منافع شرکت‌های خارجی گره بخورد به نفع ما خواهد بود.» خواننده اگر سمت اداری و مسئولیت‌گوبنده این عبارات را نادیده بگیرد، خود را بیشتر با سخنان یکی از مقام‌ها و مدیران شرکت‌های چندملیتی روبه‌رو می‌بیند تا با عبارات‌های یک مقام مسئول که می‌بایست سنجیده و مبتنی بر حفظ منافع ملی کشوری خاص باشد!

رژیم ولایت‌فقیه با تغییر قراردادهای نفتی که در تنظیم آن مشاوران انحصارهای بزرگی چون بریتیش پترولیوم نقش اصلی را داشته‌اند، در واقع به خواست و اراده انحصارهای امپریالیستی برای خصوصی‌سازی صنعت ملی نفت ایران گردن می‌گذارد.

با این نوع قراردادهای نفتی، و با دانستن اینکه شرایط شرکت‌های نفتی همواره شدیداً استعماری و تحمیلی است، میهن‌ما به دوران اسارت بار کنسرسیوم باز می‌گردد. در قراردادهای جدید - برپایه مکانیزمی که رییس کمیته بازرگاری قراردادهای نفتی زیر نام «محورهای ۱۰ گانه» معرفی می‌کند، مالکیت میدان‌ها و چاه‌های نفت و گاز و نیز تأسیسات گازرسانی و انتقال نفت و پالایشگاه‌ها و همچنین کارخانه‌های پتروشیمی به شرکت‌های خارجی واگذار می‌گردد. در این باره معاون دبیر کمیته بازرگاری قراردادهای نفتی ایران با صراحت یادآوری می‌کند: «ویژگی مهم این قراردادها پیوستگی عملیات اکتشاف، توسعه و تولید است، چنانکه شرکت خارجی می‌تواند با کشف یک میدان با شرکت ایرانی [و نه لزوماً شرکت ملی نفت ایران، بلکه شرکت‌های خصوصی وابسته به سپاه، آقازاده‌ها، و بنیادهای انگلی] جوینست ونچر تشکیل داده و میدان را توسعه دهد.» معنی این سخنان مالکیت و سهم مشترک داشتن شرکت‌های خارجی در میدان‌های نفت و گاز ایران است. پس از انتشار رسمی تغییر قراردادهای و آغاز برنامه خصوصی‌سازی و تشکیل کنسرسیوم، که انحصارهای فراملی دست برتر را در آن دارند، خبرگزاری مهر، ۱۷ خردادماه، گزارش داد: «ایران به غول‌های نفتی پاداش می‌دهد... رییس کارگروه اصلاح قراردادهای نفتی وزارت نفت با تأکید بر اینکه برخی شرکت‌های خارجی که در طول دو دهه گذشته با ایران قرارداد نفتی امضاء کرده‌اند، نه تنها هیچ‌گونه سودی نبرده بلکه متحمل زیان هم به دلیل فعالیت در صنایع نفت و گاز ایران شده‌اند.»

آیا می‌توان این مدیر ارشد وزارت نفت را دارای حس میهن دوستی دانست؟ چرا و چگونه یک مدیر ارشد وزارت نفت رژیم در مقام مدافع منافع و سود شرکت‌های بزرگ امپریالیستی ظاهر می‌شود؟ آیا این گونه مدیران در چارچوب رژیم استثناء‌اند؟ پاسخ منفی است. رژیم ضدملی و واپس‌گرای ولایت‌فقیه بدنه مدیریتی‌ای رانت‌خوار، فاسد، و سودجو دارد که فاقد انگیزه ملی و میهنی و خدمتگذار منافع بیگانگانند.

رییس کارگروه اصلاح قراردادهای نفتی وزارت نفت یک استثناء نیست، یک قاعده به‌شمار می‌آید. اصولاً رژیم به‌دلیل ماهیت واپس‌گرا و مستبدش، منشأ پیدایش و بستر رشد چنین پدیده‌هایی است. به هر حال، اینک با سیاست‌های رژیم و برنامه‌های دولت روحانی، چوب حراج بر ثروت ملی و صنعت ملی نفت ایران زده می‌شود. مقابله و مبارزه با این سیاست‌ها وظیفه ملی و انقلابی همه نیروهای میهن‌دوست و ترقی‌خواه میهن‌ماست!



## ادامه درس هایی از تاریخ ...

کرد: ۱. انقلاب مشروطه شکست خورده است و جنبش‌ها و مقاومت‌های پراکنده در استان‌های مختلف و در قالب جنبش‌های ملی و دمکراتیک- ملی و ضد استعماری در جریان است؛ ۲. در بین نیروهای شرکت کننده در انقلاب مشروطه مرز بندی جدیدی به وجود آمده است که از تغییر در آرایش طبقه و قشرهای اجتماعی جدا نیست؛ ۳. به دلیل شکست انقلاب مشروطه، در بین روشنفکران و فعالان آن نسبت به توده‌های مردم و نقش آن‌ها سرخوردگی و بی‌اعتقادی به وجود آمده است؛ ۴. انقلاب اکتبر در روسیه رخ داده است و قدرت نوینی در قامت اتحاد جماهیر شوروی پا به عرصه وجود گذاشته است و امواج این رویداد مهم به ایران رسیده است، و بر مبارزه با استعمار در کشور اثر گذاشته است؛ ۵. با توجه به مشخصه‌های پیش گفته، مسئله سمت‌گیری‌های اقتصادی و اجتماعی در ایران مهم و تعیین کننده شده‌اند.

بنابر آن شرایط، سه عامل اساسی و تعیین کننده وجود داشت که حزب‌ها و سازمان‌های مبارز در مبارزه‌ی بی‌سمت‌گیری ترقی خواهانه ملی و ضد استعماری می‌باید به آن‌ها توجه می‌کردند: نخست، به دست دادن تحلیلی از ساختار قدرت و نقشی که قشرها و طبقه‌های اجتماعی در چگونگی شکل‌گیری روبنای سیاسی می‌باید ایفا کنند و دیگر اینکه چه ساختاری می‌بایست شکل گیرد تا با آرمان‌های انقلاب مشروطه بتواند دمساز باشد؛ دوم، درک این امر که در آرایش قدرت‌های بین‌المللی و توازن قوا بین‌شان در برابر جنبش‌های ملی و ترقی خواه، چه تغییرهایی به وجود آمده است. برای مثال، سیاست استعماری انگلیس بعد از انقلاب اکتبر، نفوذ در دولت‌های مرکزی و تقویت و حمایت از آن‌ها به جای سیاست تضعیف این دولت‌ها و سیاست تفرقه‌افکنی از طریق آشوب‌های قومی در حال تغییر بود؛ سوم، خط مشی و برنامه حزب‌ها و سازمان‌های مبارز [سمت‌گیری اقتصادی و اجتماعی‌ای بود که بتواند حق حاکمیت ملی را در مقابل استعمار تأمین کند، اقتصاد ملی‌ای را پایه گذاری کند، و اصلاحاتی دمکراتیک به منظور بالا بردن نقش طبقه و قشرهای اجتماعی در ساختار قدرت عملی کند.

رضا خان از تمام شعارهای انقلاب مشروطه سوء استفاده کرد و قریب به اتفاق خواست‌های مطرح شده از جانب حزب‌ها و روشنفکران جناح‌های مختلف را عاملان در مسیری خارج از عرصه انقلاب مشروطه به صورتی مسخ شده به انجام رساند. در این رابطه، رضاشاه حکومت مرکزی‌ای نیرومند را در کشور حاکم کرد، اما نه به صورت ائتلافی دمکراتیک و ملی، بلکه به بهای نابودی جنبش‌های ملی آزادی خواهانه و ضد استعماری‌ای همچون جنبش کلنل محمدتقی پسیان [در خراسان]، جنبش شیخ محمد خیابانی [در تبریز]، جنبش ضد استعماری و مردمی جنگل [در ۱۲۹۳-۱۳۰۰ در گیلان]، و دیگر مبارزات ترقی خواهانه. در دوره دیکتاتوری رضاشاه رشد سرمایه‌داری متوقف نشد، بلکه شتاب بیشتری گرفت اما نه بر زمینه پایه‌ریزی سرمایه‌داری ملی و نه همراه با تقویت آن بخش از سرمایه‌داری ملی که خصلت ضد استعماری داشت و انقلاب مشروطه را حمایت می‌کرد و با اقتصاد بومی در پیوند بود. نظام سرمایه‌داری در دوران رضاشاه به وسیله دولت مرکزی‌ای نیرومند- از بالا به پایین، همراه با تقویت لایه‌های ارتجاعی بورژوازی ضد ملی و برخی ملاکان بزرگ- رشد یافت و نتیجه آن پی‌ریزی نظام سرمایه‌داری ای ناقص الخلقه بود که تا به امروز همچنان پابرجا است. این فرایند، به شدت بخشیدن به تمرکز سرمایه‌های وابسته منجر شد و لایه‌های متصل به این سرمایه‌های دولتی و خصوصی وابسته، منافع‌شان را طبیعتاً در پیوند با منافع استعمار و امپریالیسم می‌دیدند. به عبارت دیگر، از همان ابتدای زایش و گسترش آن [سرمایه‌های وابسته] در دوره رژیم رضاشاه، بورژوازی "کمپرادور" (وابسته) و "سرمایه‌داری تجاری" نقشی کلیدی در همه شئون اقتصادی سیاسی کشورمان داشته است.

در دوران دیکتاتوری رضاشاه، بورژوا ملاک‌ها و کلان‌زمین‌داران

- که یک پای آنان در شهر و پای دیگرشان در روستا بود- برای امپریالیسم و استعمار نقش سرمایه‌داری ویژه‌خوار (رانت‌خوار به‌زعم امروزیان) دلال را داشت. رضاشاه به‌اجرای برخی اصلاحات ارضی محدود دست زد، اما نه بر مبنای شعارهای نیروهای سوسیال دمکرات در انقلاب مشروطه در مورد تقسیم زمین بین روستاییان بلکه کاهش بهره مالکانه- که جنبش‌های دمکراتیک مطرح کرده بودند- بلکه برعکس، به این معنا که او درست زمانی که در اروپا زمین‌داری کلان تقریباً نابود شده بود به مالکان دستور داد زمین‌هایشان را در سازمان نو بنیاد "ثبت اسناد" به‌ثبت رسانند و با تصویب قوانین جدید، کشاورزان را بیش از پیش در برابر ملاک‌ها تضعیف کرد. برای مثال، بر پایه این قوانین (رضاخانی)، برخلاف عرف معمول، مقرر شد که کدخدای هر ده از طرف صاحب زمین‌های کشاورزی ده انتخاب شود. اصولاً الفای نظام بغایت ناعادلانه ارباب رعیتی (شبه فئودالی) ایران نمی‌توانست هیچ‌گاه در دستور کار فرم‌های رضاخان قرار گیرد، زیرا نماینده‌های سیاسی این بخش از بورژوازی و سرمایه‌های کلان از جمله عامل‌ها و تشکیل‌دهنده قدرت سیاسی روبنای سیاسی و بخش عمده زیربنای اقتصادی نوین در حال شکل‌گیری این دوران بودند. از این‌روی، هر بار که مردم (رعیت‌ها) از پرداخت بهره مالکانه سر باز می‌زدند رضاشاه ژاندارها را برای سرکوب آنان گسیل می‌کرد. نوع محصولات کشاورزی در این دوران، به‌جای تأمین نیاز بازار داخلی، در راستای گسترش تجارت با کشورهای استعماری تغییر کرد، چندان که رشد سریع فعالیت تجاری خصوصی و دولتی برای واردات محصولات غذایی برای مصرف داخلی را موجب گردید. تکیه به واردات محصولات کشاورزی از همان دوران رضاشاه تا کنون روند غالب در اقتصاد کشورمان بوده است و تا به حال، با تخریب فاجعه‌آمیز کشاورزی ملی، به فربه‌تر شدن سرمایه‌داری تجاری غیرتولیدی انجامیده است. تغییر قوانین ارضی در دوران رضاشاه را نمی‌توان فرم‌هایی مترقی ارزیابی کرد، زیرا در مجموع برخلاف منافع ملی و به نفع سرمایه‌داری غیرتولیدی و شرکت‌های خارجی عمل کردند. توجه برانگیز آنکه، فرم‌های (ارضی) رضاشاه در این دوره فقر و عقب‌ماندگی، گرسنگی و سوء تغذیه روستائیان شدت بخشید.

رضا شاه با کشف حجاب اجباری، زنان را به عرصه اجتماعی فراخواند و درهای مدارس و دانشگاه‌ها را بر روی آنان باز کرد و سازمان‌های زنان وابسته به دولت تشکیل داد، اما همراه با این رفرم‌های حکومتی سازمان‌های مستقل و مترقی زنان را- که دستاوردهای انقلاب مشروطه بودند- درهم کوبید، مجله‌ها و روزنامه‌ها و مجالس هنری مسقل و دمکراتیک زنان را بست. رشد و گسترش "نیروی اجتماعی زنان" در دستور کار "تغییرهای" اجتماعی این دوره نبود، زیرا یک تهدید به شمار می‌آمد. رضاشاه این کارها را بنا به تمایل و نظر شخصی‌اش انجام نداد و حکومت استبدادی‌اش را در خلا برپا نکرد. این "تغییرها" برآمده از آرایش طبقاتی‌ای جدید و دخالت مستقیم سیاسی امپریالیسم انگلیس و پیوند آن با لایه‌های پر قدرت بورژوازی وابسته [کمپرادور] بود. روبنای سیاسی دوره رضاشاه بر شانه‌های بورژوا- ملاک‌ها و سرمایه‌داری نوکیسه کمپرادور و بورژوازی بوروکراتیک که از رانت [امتیازهای ویژه] دولتی سود می‌بردند استوار گردید و "تغییرهای" تجدیدگرایانه در این روبنا صرفاً در راستای منافع این لایه‌های بورژوازی و تقویت رابطه اورگانیک آن‌ها با کشورهای امپریالیستی و در صدر آن‌ها انگلیس بود. این "تغییرها"، همراه با نماد مدرنیته، در مجموع، ضد دمکراتیک، برخلاف عدالت اجتماعی، و در جهت نفوذ هرچه بیشتر استعمار عمل کردند. دیکتاتوری رژیم پهلوی در حالی استوار گردید که زمین‌داران مرتجع در بیم از پیامدهای انقلاب روسیه، به دنبال ناجی‌ای قدرتمند و زورگو بودند. نکته مهم اینکه، رضاخان دیکتاتوری‌اش را بر بستر سرخوردگی و یأس آن بخش از اصلاح طلبانی که از انقلاب مشروطه سرخورده و

## تفاوت در اندیشه اتحاد در عمل مبارزه با دیکتاتوری

امپریالیسم در آمده بودند و عده‌یی از نامداران آنان، همچون تقی زاده‌ها، تا فرق سر در منجلاب دیکتاتوری در غلطیده بودند. در ایران، برخلاف کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری، انحطاط نظام شبه‌فئودالیسم - به دلیل‌های مختلف - به ظهور بورژوازی قدرتمند ملی منجر نشد. رشد سرمایه‌داری ایران، به‌طور عمده، در برخورد با یک پدیده سخت خارجی، یعنی پیروی از سرمایه‌داری پیشرفته‌تر رشد می‌کرد، یعنی فرایندی که هنوز هم ادامه دارد. به همین دلیل است که در کنار مناسبات بومی شیوه تولید کالایی و بورژوازی نحیف ملی که در تقلا دست یافتن به قدرت است، نوع دیگری از بورژوازی دلال و وابسته و تجاری وجود دارد که در مقام واسطه سرمایه‌های امپریالیستی عمل می‌کند و از سوی عامل‌های خارجی نیز مدام به لحاظ اقتصادی و سیاسی تقویت می‌شود. در آستانه انقلاب مشروطه - حتی پیش از آن - نوعی تمرکز سرمایه بومی و ملی وجود داشت که دست به تلاش‌هایی زد اما هر بار در رویارویی با سرمایه‌ها و کالاهای کشورهای امپریالیستی و ناتوانی در عرصه رقابت با آن‌ها و نداشتن پشتیبانی حکومتی، از پای درآمد، به‌طور نمونه: کارخانه‌های بلورسازی، پارچه‌بافی، کبریت‌سازی، و جز این‌ها. در اینجا است که نقش ساختارهای حکومتی در پشتیبانی از بورژوازی ملی اهمیت پیدا می‌کرده است، پشتیبانی‌ای که تا هم اکنون نیز اهمیتش را از دست نداده است. در شرایط کنونی کشورمان نیز، بدون درک ماهیت طبقاتی دولت و اینکه منافع کدام‌یک از لایه‌های سرمایه‌داری را نمایندگی می‌کند، نمی‌توان درباره ماهیت و سمت‌گیری‌های اجتماعی دولت حسن روحانی تحلیلی دقیق به‌دست داد.

تغییر در توازن قوای بین‌المللی و نوع عملکرد استعمار و امپریالیسم در آن برهه، امری بود که در آستانه به‌قدرت رسیدن رضاخان درک مسئله ماهیت و سمت‌گیری‌های اجتماعی او را برای حزب‌ها و سازمان‌های سیاسی مشکل می‌کرد. نداشتن احاطه به جریان‌های عمومی جهانی، به‌خصوص اطلاع نداشتن از تغییرهای ژرف در شیوه نفوذ امپریالیسم انگلیس (به دلیل ظهور قدرت اتحاد جماهیر شوروی) اشتباه‌ها و تاخیرهایی را در تدوین خط مشی آن‌ها باعث شد.

در این شرایط، پیروزی انقلاب اکتبر و برپایی حکومت شوروی منظره تحول‌های بین‌المللی را دگرگون کرد و امید امپریالیسم انگلیس به پیروزی ضد انقلابی‌ها در روسیه تحقق نیافت و لشکر کشی همزمان ۱۴ دولت به شوروی و برضد انقلاب آن، بی نتیجه ماند. پس به‌منظور مبارزه با نخستین کشور سوسیالیستی، می‌بایست برنامه‌های دیگری اجرا می‌شد. نقشه تضعیف اقتصادی و سیاسی حکومت نوبنیاد و محاصره نظامی آن در اولویت این برنامه قرار گرفت. ایران یکی از حلقه‌های این زنجیر محاصره بود، اما برای اینکه حلقه ضعیفی در این زنجیر محاصره وجود نداشته باشد، به حکومت‌های متمرکز و نیرومند نیاز بود. بنابراین، باقی ماندن ایران به صورت کشوری با شیرازه‌یی از هم گسیخته و درگیر در کشمکش با ایلات و عشایر و نیروهای داخلی‌اش، نمی‌توانست منظور این برنامه را تأمین کند. به حکومت مرکزی‌ای نیرومند و سرسپرده امپریالیسم نیاز بود تا بتواند در منطقه، در حکم سنگری در برابر شوروی، به‌صورتی تأثیرگذار عمل کند. تمام تحول‌های سیاسی ایران در آن زمان - از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ گرفته تا اخراج سید ضیاءالدین طباطبایی و به تخت سلطنت نشستن رضاخان میرپنج - از زاویه دید این وضع جدید می‌بایست مورد ارزیابی قرار می‌گرفت، حال آنکه تحلیل بسیاری از نیروهای مترقی، از جمله بخشی از رهبری حزب کمونیست ایران، در آن دوران، بر شرایط پیشین و سیاست‌های سنتی گذشته استعمار انگلیس مبتنی بود. همه این نکته‌ها در بردارنده و نشان‌دهنده اهمیت شناخت فرایند تغییر در توازن قوا در عرصه روابط بین‌المللی‌اند. در برهه کنونی که سیطره سرمایه‌های کلان مالی، اختاپوس‌وار، سراسر جهان را در چنبره قدرت خود گرفته است، اهمیت توجه به تغییر در شیوه نفوذ و سلطه امپریالیسم جدی‌تر شده است. برای نمونه، به سند تحلیلی حزب توده ایران می‌توان اشاره کرد که در آن نشان داده می‌شود که در شرایط برهه کنونی، سیاست آمریکا در منطقه خاورمیانه - که هدف آن دفع تهدید استراتژیک

### ادامه درس‌هایی از تاریخ ...

بدان بی‌اعتقاد شده بودند و هرگونه انقلاب و جنبش اجتماعی را نفی می‌کردند توانست استوار سازد. بخش مهمی از اصلاح طلبان منفعل، در برابر ظهور و تثبیت رژیم دیکتاتوری - به خصوص در مورد پای مال شدن حق حاکمیت ملی - مقاومتی نکردند.

در مقطع تاریخی دیکتاتوری رضاخان، میان قشرها و طبقه‌های اجتماعی و نمایندگان سیاسی شرکت کنندگان در انقلاب مشروطه کشاکش وجود داشت. بنابراین، تغییر در روینای سیاسی ایران و مدرنیزه کردن آن گریزناپذیر بود. شکل‌گیری ساختار دولتی‌ای با سمت‌گیری‌های ترقی‌خواهانه امر بسیار مهمی بود. نوع ساختار دولتی و وابستگی طبقاتی آن و نیروهای شرکت کننده در آن می‌توانست کشور را به سوی سمت‌گیری‌ای ترقی‌خواهانه و ملی و یا در جهت دیکتاتوری‌ای وابسته سوق دهد. ترکیب نمایندگان مجلس اول و دوم مشروطه، نمایانگر حضور قشرها و طبقه‌های اجتماعی را در این نهاد نشان می‌داد: شاهزادگان ۴ نماینده، زمین‌داران ۱۰ نماینده، تجار ۱۰ نماینده، و اصناف ۳۲ نماینده. در این ترکیب، تجار و اصناف بالاترین شمار نمایندگان را دارند و با شمار نمایندگان زمین‌داران قابل مقایسه نیست. در مجلس دوم نیز ترکیب نمایندگان به همین منوال است، اما از زمان "فتح تهران" [۲۲ تیرماه ۱۲۸۸] و ورود نیروهای مشروطه‌خواه به تهران و پناهنده شدن محمدعلی شاه در سفارت روسیه - که با مجلس دوم همزمان است - اتفاق بسیار مهمی روی داده است که از دید بسیاری از انقلابیون در آن زمان پنهان مانده است، و آن، پررنگ شدن نقش بورژوا ملاک‌ها در دولت است. "فتح تهران" با حضور محمدولی‌خان تنکابنی، بزرگ فرنگ‌نواد کتاره‌های خزر که با روس‌ها بده بستان داشت، و سردار اسعد بختیاری که در حوزه نفوذ انگلیسی‌ها بود، جای پا و قدرت زیادی را در دولت برای بورژوا ملاک‌ها فراهم آورد. آرایش نیروهای شرکت کننده در انقلاب مشروطه، بر حزب‌ها و سازمان‌های فعال در دوره مشروطه از جمله فرقه دمکرات، بر نوع "تغییر"های سیاسی و اقتصادی - اجتماعی اثری تعیین کننده داشت. در نظر نگرفتن این فرایند می‌تواند برای نیروهای ترقی‌خواه فاجعه آفرین باشد، زیرا رویناهای سیاسی بیرون از آرایش طبقه‌های اجتماعی و میزان نفوذ، قدرت، و سازمان‌یافتگی آن‌ها نمی‌تواند شکل بگیرد. آمار نشان می‌دهند که در همین دوره، در حالی که در مجلس‌های اول و دوم تا مجلس چهارم ترکیب نمایندگان فئودال ۱۲ درصد از مجموع نمایندگان بوده است، در مجلس دوازدهم دوره رضاخانی این رقم به ۲۶ درصد افزایش می‌یابد. و این زمانی است که نقش کلیدی بورژوا ملاک‌ها در روینای سیاسی تثبیت شده و سمت‌گیری اقتصادی جامعه نیز در جهت منافع این لایه از بورژوازی مشخص شده است. نوع سرمایه‌داری و اقتصاد سیاسی در حال شکل‌گیری در دوره رضاشاه با آنچه که خواست ملی و ترقی‌خواهانه انقلاب مشروطه بود کاملاً فاصله داشت و ساختار سیاسی نیز دیکتاتوری‌ای خشن و مدرن بود. مهم اینکه، این نوع سرمایه‌داری نوپا که یک پایش در شهر و پای دیگرش در روستا است برای گرداندن دستگاه سیاسی‌اش، نیروی کارگزارش را از کجا تأمین می‌کرده است؟ کارگزاران و مدیران ساختارهای متجدد دیکتاتوری حاکم، از افراد آن بخش از اصلاح طلبان سرخورده از شکست انقلاب مشروطه و بی‌اعتقاد شده نسبت به توده‌ها و "تغییرهای بنیادی" تأمین می‌شد، و بنابراین، امکان همزیستی و مامشات با دیکتاتور را "تغییر" می‌دانستند. بخش قابل توجهی از این اصلاح طلبان که در سازمان‌های انقلابی دوران مشروطه مبارزه کرده بودند، اکنون هم کارگزار بورژوازی نوکیسه شده بودند و هم ایدئولوگ و توجیه‌گر دیکتاتوری رضاخان و مشاطه‌گر چهره او، زیرا که اکنون دیگر معلوم شده بود که تغییر در زیربنای اقتصادی، جامعه را تنها به قطب‌های مختلف تجزیه نکرده بود، بلکه بخشی از مبارزان پیشین را نیز به صف بندی‌هایی کشانده بود که، در مقام نیرویی بازدارنده، رویاروی فرایند برپایی مبانی دموکراسی و عدالت اجتماعی عمل می‌کردند. جناح راست این اصلاح طلبان پیشین سرانجام به‌طور کامل به خدمت سرمایه داری وابسته و

## ادامه نشست گروه کاری احزاب ...

و اول تیرماه جاری (۲۱ و ۲۲ ژوئن ۲۰۱۴) در شهر ساحلی لازناکا در قبرس، به میزبانی آکل، حزب زحمتکشان مترقی قبرس، برگزار شد. بیست و چهار حزب کمونیست و کارگری از کشورهای روسیه، اوکراین، کوبا، اکوادور، ایتالیا، جمهوری چک، هندوستان، آفریقای جنوبی، یونان، برزیل، انگلستان، بلژیک، فلسطین، لبنان، سوریه، سودان و... در این نشست شرکت داشتند. رفیق اندروس کپیروانو، دبیرکل آکل، که همراه با تعدادی از اعضای هیئت سیاسی حزب برادر در مراسم گشایش نشست شرکت داشت، پس از خوشامدگویی به حزب‌های شرکت‌کننده، در سخنرانی همه‌جانبه‌ای به موضوع‌های پراهمیتی مانند ادامه بحران اقتصادی جهانی، شرایط پیچیده و خطرناک منطقه خاورمیانه، و دستاوردها و دشواری‌های مبارزه مردم قبرس برای پایان بخشیدن به مسئله اشغال نیمه شمالی قبرس توسط ترکیه که اکنون ۴۰ سال از آن می‌گذرد، پرداخت.

کارگروه حزب‌های برادر پس از بحثی همه‌جانبه پیرامون گزارش کارهای تدارکاتی انجام شده تا کنون، و پیشنهادهای ارائه شده از سوی حزب کمونیست یونان و نیز حزب کمونیست اکوادور که میزبانی ۱۶مین همایش بین‌المللی حزب‌های کمونیست و کارگری در آبان ماه امسال را به عهده خواهد داشت، موضوع محوری همایش ۱۶م را چنین تصویب کرد: "نقش حزب‌های کمونیست و کارگری در مبارزه علیه امپریالیسم و استثمار سرمایه‌داری - که باعث بروز بحران و جنگ و منجر به قدرت‌گیری نیروهای فاشیستی و ارتجاعی می‌شود - در مبارزه برای احقاق حقوق کارگران و مردم، و برای رهایی ملی و اجتماعی؛ برای سوسیالیسم!"

کارگروه در ادامه بحث‌های خود، در مورد تاریخ برگزاری ۱۶مین همایش، مدت و زمان‌بندی و دستورکار همایش، و آمادگی کشور میزبان و تدارک بخش‌های گوناگون همایش مهم حزب‌های برادر، که برای دومین بار در آمریکای لاتین برگزار خواهد شد، به توافق رسید. دبیرکل حزب کمونیست اکوادور که در این نشست حضور داشت، طرح پیشنهادی برنامه همایش را به اطلاع نمایندگان حاضر رساند. کارگروه تصویب کرد که با توجه به تجربه‌های حزب‌های کمونیست کوبا و برزیل و همچنین حزب کمونیست پرتغال که در گذشته دوبار میزبانی همایش حزب‌های برادر را به عهده داشته است، این حزب‌ها در زمینه‌های گوناگون اجرایی همایش ۱۶م با حزب کمونیست اکوادور مشورت و همفکری داشته باشند. بخشی از بحث‌های نشست اخیر "کارگروه تدارک همایش بین‌المللی حزب‌های کمونیست و کارگری" پیرامون ماهیت و وظیفه و عملکرد خود این گروه، و سازوکارهای انتخاب حزب‌ها به عضویت این کارگروه بود. نتیجه این بحث‌های سازنده و رفیقانه اعضای کارگروه به ۱۶مین همایش ارائه خواهد شد. حزب‌های شرکت‌کننده در نشست اخیر بر ماهیت تدارکاتی و اجرایی باز و شفاف کارگروه، و اینکه این گروه به هیچ‌روی سازوکاری برای ارائه رهنمود و رهبری جنبش جهانی کمونیستی و کارگری نیست، تأکید ویژه‌ای داشتند و به اتفاق آرا بر این امر صخه گذاشتند. نشست کارگروه علاوه بر بحث و بررسی پیرامون چگونگی تدارک برگزاری ۱۶مین همایش حزب‌های کمونیست و کارگری جهان در سال جاری، بررسی تازه‌ترین رخدادهای سیاسی در اوکراین و منطقه خاورمیانه را نیز در دستور کار خود گذاشته بود. نشست کارگروه پس از شنیدن سخنرانی همه‌جانبه رفیق آتانولی سوکولیوک، مسئول امور بین‌المللی حزب کمونیست اوکراین، همبستگی یکپارچه خود را با مبارزه حزب کمونیست اوکراین، و همچنین با مبارزه دیگر نیروهای دموکراتیکی که در برابر مداخله امپریالیستی و ظهور و قدرت گرفتن فاشیسم در این کشور مقاومت می‌کنند، اعلام کرد. رفیق اوکراینی در سخنرانی خود این موضوع نگران‌کننده را به اطلاع نشست کارگروه رساند که حزب کمونیست اوکراین با این احتمال جدی مواجه است که مقام‌های اوکراین فعالیت این حزب برادر را به طور رسمی غیرقانونی کنند.

اعضای کارگروه در سخنرانی‌ها و اظهارنظرهای خود در ارتباط با ابتکارها و اقدام‌های اعلام همبستگی با حزب کمونیست و نیروهای مردمی، دموکرات و ترقی‌خواه اوکراین توضیح‌هایی دادند، و بر ضرورت سازمان دهی کارزارهای همبستگی با مردم و نیروهای ترقی‌خواه اوکراین در این شرایط دشوار تأکید کردند. نمایندگان حزب‌های حاضر در نشست عملکرد مقام‌های دولتی اوکراین و برخورد‌های بی‌شرمانه دوگانه از سوی اتحادیه اروپا و دولت آمریکا در رخدادهای سیاسی ماه‌های اخیر اوکراین را محکوم کردند. اعضای کارگروه سیاست‌ارباب مردم و نیروهای مخالف توسط مقام‌های اوکراین، و نیز میدان دادن به فعالیت‌های نیروهای فاشیستی و ارتجاعی در اوکراین را که رویای احیای فاشیسم را در سر می‌پروراند، محکوم کردند. مداخله‌های جانبدارانه و یکطرفه آمریکا و اتحادیه اروپا به منظور کمک به ایجاد شرایط مساعد برای جامعه عمل پوشاندن به برنامه‌های سلطه‌جویانه‌شان در این منطقه مهم و استراتژیک، که خطر شعله‌ور شدن جنگ را تشدید می‌کند، و تمرکز نیروهای ناتو در این منطقه و در جاهای دیگر در نشست اخیر کارگروه با قاطعیت محکوم شد.

نمایندگان حزب‌های برادر در نشست اخیر کارگروه جنایت‌های انجام شده علیه مردم و سازمان‌هایی را که در برابر اقدامات فاشیستی و سرکوبگرانه غیرقانونی مقاومت می‌کنند، محکوم کردند و خواهان پایان دادن فوری به عملیات نظامی نیروهای دولتی در منطقه جنوب شرقی اوکراین و اعلام آتش‌بس فوری شدند. در ادامه این بحث و بررسی، نمایندگان حزب‌های شرکت‌کننده یک بیانیه جمعی را در ارتباط با رخدادهای ناگوار اخیر در اوکراین تصویب و امضا کردند که متن آن در همین شماره نامه مردم منتشر شده است.

در بخش نهایی نشست کارگروه، نمایندگان حزب‌های شرکت‌کننده از کشورهای خاورمیانه اعضای کارگروه را در جریان تحولات سیاسی منطقه و وضعیت مبارزه مردم کشورهای خود در راه صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی قرار دادند. در این بخش نمایندگان از فلسطین، سوریه، لبنان، سودان و نیز نماینده حزب مان تحلیل‌های خود را در ارتباط با بحران خاورمیانه و عوامل تأثیرگذار بر آن ارائه دادند.

نماینده حزب‌مان در سخنرانی خود بر ضرورت توجه ویژه نیروهای ترقی‌خواه و صلح‌دوست جهان به رخدادهای سیاسی عمیق و پدیده‌ها در خاورمیانه، و ضرورت در پیش گرفتن سیاست‌های عملی کارآ برای مقابله با پیشبرد نقشه و طرح آمریکایی خاورمیانه جدید به منظور تبدیل کردن این منطقه به حیاط خلوت امپریالیسم جهانی، تأکید کرد. او پس از تشریح شرایط برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری ماهرانه مهندسی شده خرداد ۱۳۹۲، و نیز توضیح پیامدهای فاجعه‌بار تحریم‌های گسترده اقتصادی و مالی آمریکا و اروپا بر اقتصاد ایران، یادآوری کرد که سران رژیم حاکم بر ایران برای حفظ قدرت خود، از مدت‌ها قبل از انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری گفتگوهای کاملاً محرمانه‌ای را با نمایندگان عالی‌رتبه آمریکا آغاز کرده بودند. نماینده حزب‌مان در معرفی حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران، توضیح داد که او شخصیتی است که کاملاً معتقد و متعهد به پیشبرد سیاست‌های کلان رژیم تئوکراتیک ولایتی است: "...او شخصیت قابل اعتمادی در رژیم ایران است. او پیش از دو دهه عضو شورای عالی امنیت کشور و سال‌های زیادی نماینده ویژه علی خامنه‌ای - ولی فقیه - در این شورا بوده است، و در غرب او را مذاکره‌کننده‌ای عمل‌گرا می‌شناسند."

نماینده حزب توضیح داد که انتخاب حسن روحانی را باید آغاز فصل جدیدی در روابط میان آمریکا و رژیم دین‌سالار ایران به منظور "همزیستی متقابل" دانست. آمریکا به علت آنکه با استفاده از اهرم تحریم‌های اقتصادی، اقتصاد ملی ایران را در گروگان خود دارد، در این رابطه تازه طرف برتر است. از سوی دیگر، رژیم ولایتی ایران حاضر است که از هر راه و وسیله ممکن برای تداوم بقای خودش، حتی در چارچوب نقشه خاورمیانه جدید، استفاده کند، ضمن اینکه به سیاست‌های خود علیه مردم ایران همچنان ادامه می‌دهد. در چنین شرایطی، این سؤال پیش می‌آید که سه دهه پس از کینه‌جویی و رودرویی تقریباً بی‌وقفه با "جمهوری اسلامی"، آیا آمریکا هنوز خواهان ادامه خصومت و کینه‌ورزی با ایران و برانداختن آن است؟ شواهد حاکی از آن است که آمریکا در سیاست راهبردی‌اش به این نتیجه رسیده است که رژیم ایران می‌تواند شریکی کلیدی در اجرای "نقشه خاورمیانه جدید" باشد.

نماینده حزب‌مان در بخش دیگری از سخنانش بر ضرورت توجه ویژه به رخدادهای سیاسی عراق در زمینه تهاجم نیروهای تروریستی و مدافع دیکتاتوری به مناطق مرکزی عراق، و توجه به اوضاع افغانستان پس از بیرون رفتن نیروهای نظامی فعال آمریکا در پایان ۲۰۱۴، به‌ویژه در نظر داشتن نقشی که رژیم دین‌سالار ایران در روند تأمین منافع امپریالیسم ممکن است به عهده بگیرد، تأکید کرد. نمایندگان حزب‌های شرکت‌کننده در نشست، بار دیگر بر همبستگی فعال خود با مبارزات مردم منطقه علیه بی‌عدالتی، دیکتاتوری و توطئه‌های امپریالیستی تأکید کردند.



## ادامه نشست گروه کاری احزاب ...

## بیانیه احزاب کمونیست و کارگری در ارتباط با اوضاع اوکراین

سیاست اعلام شده مقام‌های اوکراین برای غیرقانونی کردن حزب کمونیست اوکراین را محکوم می‌کنند. حزب‌های امضانکننده زیر اعراب و تروری را که علیه کمونیست‌ها و سایر نیروهای دموکراتیک اوکراین به راه انداخته شده است، آتش زدن دفتر مرکزی حزب کمونیست اوکراین و سعی در تصرف دارایی‌های آن حزب، و اعمال سازمان‌های راست افراطی و فاشیستی در آن کشور را که رویای احیای فاشیسم را در سر می‌پروراند، محکوم می‌کنند.

معتقدند که سیاست دخالت امپریالیستی در کشور اوکراین، که توسط آمریکا و اتحادیه اروپا در چارچوب جنگ اعلان نشده‌ای به منظور دستیابی به منابع انرژی و مسیرهای انتقال انرژی دنبال می‌شود، سبب رنج و مرارت انسان‌ها شده و آن منطقه را در معرض خطر جدی آغاز جنگ قرار داده است. قوانین بین‌المللی بیش و پیش از همه توسط محافل امپریالیستی که ریاکارانه خود را قیم قوانین بین‌المللی وانمود می‌کنند، به طرق مختلف نقض شده است. مردم منطقه و جنبش صلح را فرا می‌خوانند که در ارتباط با تمرکز شدید نیروهای نظامی در منطقه و نقش "ناتو"، که با بهره برداری از موقعیت، حضور نظامی خود در منطقه دریای بالتیک و منطقه‌های دیگر را تقویت می‌کند، هشیار و گوش به زنگ باشند.

خواهان پایان یافتن فوری عملیات نظامی دولت اوکراین در جنوب شرقی اوکراین، و خواهان برقراری فوری آتش‌بس و تضمین فرصت دادن فوری و عملی به برقراری صلح و تضمین رعایت حقوق همه مردم هستند.

قتل‌عام‌ها و جنایت‌های صورت گرفته علیه مردم و سازمان‌هایی را که در مقابل فاشیسم و اعمال غیرقانونی سرکوبگری مقاومت می‌کنند، محکوم می‌کنند.

همبستگی خود را با کمونیست‌ها و نیروهای دموکراتیک اوکراین اعلام می‌کنند، و نیروهای صلح‌دوست را فرامی‌خوانند که در مقابل دخالت امپریالیستی و فاشیسم، که در کشور سر بلند کرده است، مقاومت کنند. از حق خودمختاری خلق‌ها حمایت می‌کنند.

حزب کمونیست بلژیک (والونیا- بروکسل)  
حزب کمونیست برزیل  
حزب کمونیست بریتانیا  
حزب زحمتکشان مترقی قبرس (اکیل)  
حزب کمونیست بوهم-موراوی  
حزب کمونیست اکوادور  
حزب کمونیست یونان  
حزب کمونیست هندوستان  
حزب توده ایران  
حزب کمونیست‌های ایتالیا  
حزب کمونیست لبنان  
حزب مردم فلسطین  
حزب کمونیست پرتغال  
حزب کمونیست فدراسیون روسیه  
حزب کارگران کمونیست روسیه  
حزب کمونیست آفریقای جنوبی  
حزب کمونیست سودان  
حزب کمونیست اوکراین

## ادامه درس‌هایی از تاریخ ...

اقتصادهای نوظهور [کشورهای بریکس]، به‌خصوص چین، نسبت به هژمونی آمریکا در چارچوب سرمایه‌داری جهانی است- در حال تغییر بوده است (نگاه کنید به: "بازچینی عناصر سیاست آمریکا در خاورمیانه بر محور تعامل با دیکتاتوری ولایت فقیه"، نامه مردم، شماره ۹۴۶، ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۹۳). بررسی فرایند اصلاح‌طلبی و همین‌طور عملکرد اصلاح‌طلبان در کشور ما در رابطه با سه موضوع: ساختار دولتی، سمت‌گیری اقتصادی و اجتماعی ملی و دموکراتیک، شرایط بین‌المللی سیستم سرمایه‌داری جهانی، مسئله‌های مهم فراروی نیروهای سیاسی در جنبش مردمی‌اند. باید گفت که، موضع‌گیری‌های آن بخش از اصلاح‌طلبان هوادار و متحد "دولت اعتدال" حسن روحانی- که عملاً از جنبش سبز عبور کرده‌اند- در ارتباط با سه موضوع پیش‌گفته نیز موضع‌گیری‌هایی فاجعه‌آمیزند. در مورد دموکراتیزه کردن ساختار حکومت و برپایی مبانی دموکراسی و آزادی- که در گذشته‌ی نه‌چندان دور و به‌خصوص در بحبوحه مبارزه جنبش سبز سرلوحه شعارهای این اصلاح‌طلبان بود- حالا نه تنها از دستور کارشان خارج شده است، بلکه دیگر ترقی‌خواهان را به‌سبب پی‌گیری آن شعارها شمات و سرزنش می‌کنند. فاجعه‌بارترین موضع‌گیری‌های اصلاح‌طلبان متحد حسن روحانی- که را به چرخ پنجم حکومت تبدیل‌شان کرده است- دیدگاه اقتصادی آنان است. پیروی از دیدگاه‌های اقتصاد نولیبرالی آغاز گام نهادن در راهی است که پایان آن منجلاّب و ابستگی اقتصادی و سیاسی به امپریالیسم و متحد دست بسته بودن انگلی‌ترین بخش سرمایه‌داری ایران خواهد بود. خیزش و اوج‌گیری جنبش سبز برضد کودتای انتخاباتی سال ۱۳۸۸، یکی از تحول‌های مهم و تاریخی کشور ما در راستای مبارزه با دیکتاتوری بود و نیروهای اصلاح‌طلب یکی از نیروهای مهم شرکت‌کننده در آن بودند. تاریخ بار دیگر تکرار می‌شود و می‌بینیم که در برهه کنونی نیز- پس از شکست انقلاب مردمی ۱۳۵۷ و سرکوب خونین جنبش سبز- موجی از یاس و سرخوردگی بخش‌های معینی از اصلاح‌طلبان و برخی نیروهای اپوزیسیون را موجب شده است و توان و اراده مبارزه قاطعانه با دیکتاتوری حاکم را تضعیف کرده است. انتخابات مهندسی‌شده خردادماه ۱۳۹۲ و دست‌بالا پیدا کردن بخش‌هایی از بورژوازی راستگرا و نولیبرال در پیرایش رونمای سیاسی، اکنون جذب و هماهنگی این نیروهای هوادار و متحد با دولت یازدهم رژیم ولایت فقیه است. درجه دگرپسویی این نیروها به‌حدی است که در عمل، جنبش سبز را نفی می‌کنند و فعالانه درصدد حذف آن از حافظه جامعه‌اند، زیرا اعتقادی به "تغییر" های بنیادی با سمت‌گیری مردمی ندارند، و به‌بهانه واهی "وحدت ملی"، راه سازش با دیکتاتور و تطهیر شخص علی خامنه‌ای را انتخاب کرده‌اند. روشن است که هنوز بخش‌های دیگر اصلاح‌طلبان مبارز در برابر دیکتاتوری ولایتی به‌زانو درنیامده‌اند. تاریخ نشان داده است که فرجام تضاد آشتی‌ناپذیر میان رژیم‌های دیکتاتوری و مردم، سقوط دیکتاتوری است. اصلاح‌طلبان مبارز و دیگر نیروهای مردمی و میهن‌دوست، از جمله حزب توده ایران، باهدف گذر از رژیم ولایت فقیه به مرحله ملی-دموکراتیک، به مبارزه‌شان ادامه می‌دهند.

## ادامه ورزش و سیاست‌های رژیم ولایتی ...

بین‌المللی والیبالی ضروری است. یکی از این شرایط امکان حضور زنان در مسابقات است که این خود زمینه‌های لازم را برای رد تقاضای ایران از سوی فدراسیون بین‌المللی فراهم کرده است. ایلنا، ۳۰ خردادماه، در همین رابطه گزارش داد:

**رئیس فدراسیون جهانی والیبالی، روز گذشته درباره ممنوعیت حضور زنان در ایران در ورزشگاه والیبالی خبر داد که "این مساله در دستور کار نشست آتی شورای لیگ جهانی که ماه آینده میلادی [ژوئیه] برگزار خواهد شد، قرار می‌گیرد و اعضای شورا درباره آن رایزنی خواهند کرد."**

رژیم که تلاش می‌کند تا در برگزاری مسابقات و پیشرفت کار آن‌ها سنگ اندازی کند، به‌یقین با اصرار بر ممنوع بودن حضور زنان و دختران در میدان‌های ورزشی و رویارویی با قوانین بین‌المللی در عرصه ورزش، زمینه‌های تحریم‌های ورزشی، به‌ویژه والیبالی را فراهم خواهد آورد. کشاننده شدن این موضوع به فدراسیون‌های بین‌المللی فوتبال و والیبالی، بخشی از حرکت‌های حساب‌شده رژیم است تا از این راه، به‌موازات دست‌یابی به هدف‌های متحجرانه و قرون وسطایی‌اش، بتواند از تحول و پیشرفت ورزش کشور بکاهد، و درعین حال، تصمیم فدراسیون‌های بین‌المللی را دلیل چنین شکست‌هایی اعلام کند.

با این حال، چند هفته اخیر تحول‌های ورزشی کشورمان نشان داده‌اند که جوانان میهن‌مان در صورت برخورداری از امکان‌های لازم بر اساس برنامه‌ریزی‌ای پایه‌ای و کارشناسانه و با حضور متخصصان ورزش، این توان و شایستگی را دارند که در سطح جهانی مطرح شوند و بدرخشند. گسترش ورزش در مقام پشتوانه‌ی از برای عامل رشد سلامت و شادابی در جامعه و ادامه درخشش تیم‌های فوتبال و والیبالی و دیگر رشته‌های ورزشی، به تغییرهای پایه‌ای و از جمله کوتاه کردن دست مافیای سپاه و افراد غیرکارشناس نیازمند است.



همگروه است که در این میان، تیم های برزیل و ایتالیا در زمره پرافتخارترین تیم های لیگ قهرمانی جهانند. در ۲۴ دوره این هم‌اوردی های بین‌المللی، تیم برزیل ۹ بار و تیم ایتالیا ۸ بار به مقام قهرمانی

رسیده‌اند و تیم لهستان نیز یک بار بر سکوی قهرمانی تکیه زده است. در چنین شرایطی، پیروزی در برابر هریک از این تیم‌ها کاری است سترگ و درخور ستایش. جوانان والیبالیست کشورمان در روندی سازنده و روبه‌پیشرفت، به‌رغم شکست در هفته‌های نخست، دو تیم برزیل و ایتالیا را توانسته‌اند دو بار پیای شکست دهند و راهشان را برای صعود به دور بعد هموارتر سازند. درخشش جوانان ما در میدان‌های ورزشی بین‌المللی، موجی از شادی و شغف را در جامعه برپا کرده است که در نتیجه، جو سیاسی حاکم بر کشور را زیر تأثیر قرار داده است. اما رژیم ولایت فقیه که از هرگونه گردهمایی و یا حرکت مردم می‌هراسد، و شادی و شغف مردم را در تضاد با افکار واپس‌مانده و ارتجاعی‌اش می‌بیند، تلاش می‌کند تا این شادی‌ها را از رنگ و جلا بیندازد و از حضور گسترده مردم در استادیوم‌های کشور و در کنار یکدیگر به‌منظور قدردانی و تحسین ورزشکاران کشور جلوگیری کند. به‌ویژه زنان و دختران میهن‌مان در زمینه این حضور بیش از مردان و پسران هدف فشارهای رژیم بوده‌اند و هستند. با ورود تیم ملی فوتبال به بازی‌ها، مانند دوره گذشته قرار بر این بود که بازی‌های جام جهانی در سینماهای کشور به‌نمایش گذاشته شوند، اما رژیم ولایتی با مانع‌تراشی و دخالت در کار سینماها، پخش مسابقات را به ممنوع بودن حضور زنان مشروط کرد که با مخالفت سینماداران روبه‌رو شد و در نتیجه، هیچ بازی‌ای بر پرده‌های سینماها نمایش داده نشد و دیگر بار حضور علاقه‌مندان به فوتبال در چار دیواری خانه‌ها ممکن گردید، درحالی که بسیاری از کشورهای جهان با اختصاص دادن مرکزهایی مجهز به پرده‌های نمایش بزرگ، امکان حضور هرچه پرشورتر شهروندانشان را برای پشتیبانی از تیم‌های ملی‌شان فراهم می‌کنند.

در مسابقه‌های والیبالی نیز که در استادیوم آزادی بازی می‌شوند، زنان کشورمان بار دیگر با تهاجم فرهنگی، عقیدتی، و پلیسی رژیم روبه‌رو شدند. زنان و دختران بسیاری در مسابقه بین ایران و ایتالیا تلاش کردند تا با ورود به جایگاه تماشاچیان، تیم ملی را تشویق کنند، اما راه‌های منتهی به استادیوم از نیروهای انتظامی برای جلوگیری از ورود زنان و دختران ایرانی آکنده بود. این مأموران نه‌تنها مانع ورود زنان و دختران شدند، بلکه بنا بر گزارش بسیاری از رسانه‌ها، آنان را کتک زدند و ناسزا گفتند و چند نفرشان را هم بازداشت کردند. هرچند که اینجا و آنجا از ناراحتی برخی از مسئولان در مورد عدم حضور زنان حرف‌هایی نقل می‌شود، اما دیدگاه رژیم در مورد حضور زنان را در سخنان محمود افشاردوست، دبیر فدراسیون والیبالی، می‌توان به‌روشنی دریافت. روزنامه اعتماد، ۲۰ خردادماه، در خبری نوشت:

دبیر فدراسیون والیبالی در خصوص ممنوعیت ورود زنان به ورزشگاه والیبالی برای تماشای مسابقات جهانی والیبالی گفته است: **“ممنوعیت برای حضور بانوان در ورزشگاه‌ها به‌طور کلی وجود دارد و تنها به والیبالی مربوط نمی‌شود... در واقع شرایط برای حضور بانوان مساعد نیست.”** وی در پاسخ به این سؤال که **“چرا در گذشته این شرایط وجود داشت و زنان برای تماشای والیبالی به ورزشگاه‌ها می‌آمدند؟”** گفت: **“بعد از حضور آنها متوجه شدیم که این آمادگی وجود ندارد هرچند که مانند فوتبال در ورزشگاه‌های والیبالی مشکلات فحاشی و الفاظ نامناسب وجود ندارد اما زیرساخت‌های فرهنگی هنوز مهیا نیست. ... به غیر از مسائل فرهنگی، امکانات سالن‌ها مانند درب ورود و خروج هم باید به گونه‌ای تعبیه شود که مشکلی به وجود نیاید. ...”**

بنا به نوشته اعتماد، افشاردوست در پاسخ به این سؤال که چه جوابی برای بانوان طرفدار والیبالی دارد؟ گفت: **“بهتر است که خانم‌ها در خانه بنشینند و برای تیم‌شان دعا کنند.”**

و این درحالی است که زمزمه‌هایی مبنی بر تقاضای ایران برای میزبانی مسابقات جهانی والیبالی به گوش می‌رسد. برای میزبانی این مسابقات، پذیرفتن برخی از شرایط فدراسیون

## ورزش و سیاست‌های رژیم ولایتی: یازده گلدیاتور ایرانی در جام جهانی فوتبال

در چند هفته اخیر، بر اثر رقابت‌های بازی‌های جام جهانی برزیل و حضور تیم ملی فوتبال ایران فضای جامعه حال و هوای دیگری داشته است. مردم در تحسین و احترام به بازیکنان تیم ملی کشورشان به خاطر تلاش آنان برای زدن گل‌های بیشتر و به‌دست آوردن نتیجه‌هایی مثبت به شادی و پایکوبی پرداخته‌اند. بازیکنان تیم ملی فوتبال کشورمان در هم‌اوردی با دیگر تیم‌های ملی به‌نام و قدرتمند جهان از آفریقا، آمریکای لاتین، و اروپا، که پیشینه‌هایی درخشان در این ورزش دارند و از پشتیبانی فراوان به‌لحاظ سرمایه و حمایت دولتی بهره‌مندند، توانسته‌اند نمایشی درخور تحسین از مقاومت و توانایی نشان دهند و اظهار نظرهای مثبتی را در این رابطه نسبت به قابلیت‌هایشان جلب کنند. بررغم شکست در راه‌یابی به مرحله دوم بازی‌های جام جهانی، بسیاری از رسانه‌های ورزشی، فوتبال‌بست‌های معروف و صاحب نظران مطلع استعداد و سخت‌کوشی بازیکنان تیم ایران را ستودند.

تیم فوتبال کشورمان، برخلاف پیش‌بینی‌های پیش از آغاز بازی‌ها از سوی **“کارشناسان”** فوتبال جهان که جایگاه آن را در پائین‌ترین رده بندی تیم‌های حاضر گمانه‌زنی کرده بودند، این تیم توانست علاوه بر تساوی در برابر تیم نیجریه در دور نخست بازی‌ها- در بازی پرتبوتاب و به‌یادماندنی- دوم در برابر آرژانتین نیز بازی‌ای قدرتمندانه به نمایش بگذارد و تحسین و احترام همگانی‌ای را در رسانه‌های گروهی جهان برانگیزد. تیم ملی ایران در برابر تیم پرستاره آرژانتین که دو عنوان قهرمانی جهان را در پیشینه‌اش دارد، خود را تیمی هماهنگ و در اندازه‌های جام جهانی نشان داد. دوندگی و تلاش یکایک بازیکنان به‌باور همگان جای قدردانی و تشکر داشت. مردم میهن مان در پای تلویزیون‌هایشان به این مسابقه پر هیجان چشم دوختند و پس از پایان آن، باوجود شکست تیم ملی، به خیابان‌ها آمدند و از بازی دلآورانه ملی‌پوشان‌شان قدردانی کردند. در فاصله زمانی کوتاهی صفحه‌های سایت‌های اینترنتی از پیام‌های تبریک و تشکر مردم از عملکرد مثبت و درخور توجه تیم ملی فوتبال ایران مملو گردید.

تاریخ معاصر کشورمان تأثیر پیروزی‌های تیم‌های ورزشی در تورنمنت‌های بزرگ و پراهمیت و برانگیختن شور و شوق فراوان در جامعه را بازتاب داده است. این شور و شوق‌ها که گه‌گاه با جنبه‌هایی از مبارزه‌های اجتماعی مردم زحمتکش جوش خورده‌اند، فضای مثبتی را در جامعه پدید آورده‌اند و حتی منشأ اثرهای **“نیکو”**یی بوده‌اند. حقیقت اینک، بازی‌های جهانی فوتبال در بین مردم به‌ویژه جوانان و کارگران به‌سبب بالابردن روحیه امید به آینده و باورمندی به تلاش و کنش هدفمند و حساب شده دوستداران بسیار دارد. آنان به‌طور عینی می‌بینند که می‌توان با امید و کوشش حتی تیم‌های بزرگ را هم متوقف کرد و یا شکست داد. این نگرش به ورزش و درک آن، می‌تواند در تغییر وضعیت موجود زندگی اجتماعی اثرگذار باشد. مردم و به‌ویژه جوانان پیروزی در پیکارهای ورزشی را دوست دارند، و بر بستر تجربه شکست و ناکامی در عرصه‌های گونه‌گون زندگی اجتماعی و اقتصادی، این موفقیت‌ها به آنان جسارت می‌بخشد و شاداب و سرزنده می‌کند.

البته محفل‌های مشخص و نیروهایی نیز هدفمندانه سعی کرده‌اند که کوشش‌های ورزشکاران ایرانی را به حساب سران دولت **“امید و اعتدال”** بگذارند، و برای تحلیل‌های سیاسی ورشکسته‌شان مزورانه اعتباری دروغین کسب کنند. هم‌زمان با بازی‌های فوتبال جام جهانی، بازیکنان تیم ملی والیبالی کشورمان نیز- در چارچوب لیگ جهانی والیبالی- در مقابله با برترین تیم‌های جهان توانست به پیروزی‌هایی بزرگ دست یابد و در حال حاضر خود را در مقام تیمی طراز اول و همپای قهرمانان مطرح کرده است. هرچند که تب فوتبال در جهان و ایران بسیار بالاست، با این حال تیم والیبالی کشورمان نیز در جریان مسابقاتش از پشتیبانی وسیع مردم برخوردار بوده است. هرگاه که مسابقه‌یی برگزار می‌شود، استادیوم ۱۲ هزار نفری آزادی از تماشاچی مملو می‌شود طوری که علاوه بر پر شدن صندلی‌ها، بسیاری نیز تمامی مسابقات را ایستاده تماشا می‌کنند. تیم ملی والیبالی ایران با تیم‌های برزیل، ایتالیا، و لهستان



اتحادیه‌های کارگری‌اند و یکی از رفقا نایب رئیس فدراسیون ایالتی اتحادیه‌یی است که در آن عضو بوده. سن یکی از رفقای کمیته ملی جدید بالای ۸۰ سال و دیگری نیز پائین‌تر از ۳۰ سال است. ۲۷ نفر از رفقای رهبری در سنین ۶۰ تا ۷۰ سالگی‌اند.

در رابطه با تغییرهای جوی و محیط زیست، کنگره حزب برادر شرکت همه‌جانبه حزب در جنبش برای نجات کره زمین را خواستار شد. سی امین کنگره با قاطعیت تمام خواهان پایان دادن به سیاست‌های نظامی گرانه و جنگ‌افروزانه شد و موضع‌گیری آن در رابطه با مسائل بین‌المللی: “دست‌ها از ونزوئلا “کوتاه”، عادی سازی روابط با کوبا، و آزادی ۵ کوبائی از زندان‌های آمریکا، و مخالفت با جنگ در عراق اعلام گردید.

کنگره حزب برادر پیام‌های همبستگی بسیاری از احزاب کمونیست جهان دریافت کرد و با وجود امتناع وزارت امور خارجه آمریکا از صدور ویزا برای شماری از نمایندگان حزب‌های کمونیست به‌منظور شرکت در کنگره، تعداد قابل توجهی از نمایندگان احزاب کمونیست از نقاط مختلف جهان در کنگره حزب برادر شرکت کردند. به‌دعوت حزب کمونیست آمریکا، نماینده حزب توده ایران با تدارک مناسب در کنگره شرکت کرد، و یکی از مدعوینی بود که پیام همبستگی کمیته مرکزی حزب توده ایران به سی‌امین کنگره ارائه داد. فرازهایی از متن پیام کمیته مرکزی به سی‌امین کنگره حزب کمونیست آمریکا در ادامه این گزارش آمده است. بعدازظهر دومین روز کنگره به بحث و موشکافی نمایندگان کنگره درباره موضوع‌های مهم و مطرح برای جنبش ترقی‌خواهانه مردم آمریکا اختصاص یافت که در سمینارهایی متعدد و در محل کنگره برگزار گردید. یکی از سمینارها در رابطه با تحول‌های بین‌المللی بود. علاوه بر ارائه پیام همبستگی حزب توده ایران به اجلاس کنگره، به‌دعوت حزب برادر و در مقام یکی از اعضای هیئت سخنرانان، نماینده حزب ما شرکت کنندگان در این سمینار بین‌المللی را در مورد مبارزات طبقه کارگر ایران، سعیت کارگران رژیم ولایت فقیه در برخورد با جنبش سندیکایی ایران، وضعیت فعالان کارگری، شرایط جنبش‌های اجتماعی، و برنامه‌های سیاسی - اجتماعی و جهت‌گیری اقتصادی نولیبرالی رژیم ولایت فقیه در جریان قرار داد. هیئت نمایندگی حزب توده ایران در خلال کار کنگره دیدارهایی سودمند با رهبران حزب کمونیست ایالات متحده و همچنین برخی از حزب‌های شرکت کننده در سی‌امین کنگره داشت که آن‌ها درباره مسائل موردعلاقه بحث و تبادل نظر شد. در این دیدارها رفقای حزب‌های برادر از تحول‌های سیاسی و مبارزه مردم زحمتکش کشورمان و ضرورت سازمان‌دهی جنبش همبستگی با مبارزه زحمتکشان میهن‌مان آگاهی بیشتری یافتند.

رفقای حزب برادر، درحکم بخشی از کار کنگره حزب کمونیست آمریکا، “گشت تاریخی - کارگری” در شیکاگو را برای مهمان‌های کنگره سازمان داده بودند. این گشت شامل دیدار از دو محل مهم تاریخی بود که هر ساله عده پرشماری از کارگران و ترقی‌خواهان جهان را به سوی خود جلب می‌کنند. رفیق تیم ییقر، یکی از رهبران حزب کمونیست آمریکا، سرپرستی این گشت‌ها و سخنرانی در هر دو مکان را برعهده داشت. هر دو محل به تاریخ رویدادهای اول ماه مه، روز جهانی کارگران، مربوط می‌شوند. نخستین مکان

## حضور نماینده حزب توده ایران در کنگره حزب کمونیست آمریکا برافراشتن پرچم مبارزه کمونیست‌ها در آمریکا، قلب امپریالیسم

در قلب امپریالیسم، آمریکا، و در روزهای ۲۳ تا ۲۵ خردادماه [۱۳] تا ۱۵ ژوئن]، در شیکاگو، شهری که به یادبود مبارزات طبقه کارگر آن و قدردانی از دلاوری‌های جان‌باختگان قهرمانش روز اول ماه مه را روز جهانی کارگر نامیدند، کمونیست‌های آمریکایی گردهم آمدند تا برنامه مبارزاتی طبقه کارگر آمریکا برای چهار سال آینده را طرح‌ریزی کنند. صدها نماینده حزبی انتخاب شده از نقاط مختلف آمریکا، با شور و نشاط و دلی آکنده از امید، برای طرح‌ریزی برنامه‌یی جامع و بازتاب دهنده واقعیت‌های مبارزاتی طبقه کارگر آمریکا دورهم جمع شدند و کنگره‌یی کارا، دموکراتیک، و منسجم را برگزار کردند.

رفیق سام وب، دبیرملی و رهبر حزب برادر، در روز نخست، در مراسم گشایش سی‌امین کنگره (که در متن‌های انگلیسی با نام “کنوانسیون سی‌ام” آمده است)، گزارش جامعی ارائه داد. سام وب، وظیفه مهم کنگره را “نگاهی تازه و هوشیارانه به واقعیت‌ها و چالش‌های امروز” توصیف کرد و ساختن حزبی “مدرن، بالغ، سبزه‌گر و توده‌ای” را که به شبکه حوزه‌های حزبی در شهرها و مراکز کار تکیه کند، خواستار شد. رفیق سام وب خروش مردم، اقتصادی که جوابگوی نیازهای مردم است، کمک به رشد و تجدید حیات طبقه کارگر، انتخابات و مبارزه برای استقلال سیاسی، تغییر جوی و تضمین سلامت کره زمین، نظم نژاد پرستانه جدید، پایان دادن به خشونت و برپایی جهانی همراه با صلح، و ساختمان حزب از نظر وسعت، ظرفیت و نفوذ را چالش‌های اصلی حزب برشمرد و پس از دادن شرحی مفصل درباره هر چالش، از نمایندگان کنگره خواست که در سه روز برگزاری کنگره، بعد از بحث و گفت‌وگو در رابطه با هر چالشی، در مورد آن‌ها تصمیم‌های مقتضی بگیرند. رفیق سام وب اشاره کرد که، اکثریت مردم آمریکا به این نتیجه رسیده‌اند که “سیستم برای آنان کار نمی‌کند”، و درواقع، به‌نفع “ثروتمندان مهندسی شده است.” سام وب، غلبه “قطعی” بر راست‌گرایان را اساسی برشمرد و پیروزی در مبارزه بدون شرکت طبقه کارگر، بدون همراهی کارگران با مردم و بر فراز “قطار خلقی” را غیر ممکن توصیف کرد.

در محیط کاملاً دموکراتیک کنگره و در روندی دموکراتیک و شفاف، رفقا “جان بکتل” و “روزانا کمبرون” به دبیر اولی و معاونت دبیر اول حزب برادر انتخاب شدند. رفیق بکتل تا پیش از سی‌امین کنگره، رهبری سازمان ایلینویز حزب کمونیست آمریکا را به‌عهده داشت و از مبارزان پرباقه حزب برادر است. رفیق “کمبرون” نیز پیش از انتخاب شدن به سمت جدید، رهبری سازمان جنوب کالیفرنیا حزب برادر را به‌عهده داشت. رفیق بکتل، در بخشی از سخنانش گفت: “خروش توده‌ای عظیمی در حال شکل گرفتن است، که چالش و نیز امکان بزرگی را به حزب ما عرضه می‌دارد. می‌خواهیم سهم بزرگی در شکل دادن و ساختمان این قیام داشته باشیم. ... ما هر روز شاهد تظاهرات جدیدی هستیم، تظاهرات مهاجران، کارگران [کمپانی عظیم] وال‌مارت، کارگران رستوران‌های خدمات سریع، مبارزه برای افزایش حداقل مزد... مقاومت در برابر ممانعت از دادن رای، مبارزه با حبس توده‌ها. ...”

در جریان انتخاب ارگان‌های رهبری حزب برادر در سی‌امین کنگره، ۵۸ نفر از رفقا به عضویت کمیته ملی حزب انتخاب شدند که ۳۳ نفر از رفقای منتخب سفید پوست، یک رفیق آمریکایی بومی، ۹ نفر از رفقا با اصلیت آمریکای جنوبی و ۱۵ نفر از رفقا سیاه پوستند. کمیته ملی جدید از ۲۴ رفیق زن و ۳۴ رفیق مرد متشکل خواهد بود. ۲۶ نفر از رفقای کمیته ملی به‌نحوی در جنبش کارگری فعالند. ۲۶ رفیق فعال در جنبش کارگری شامل بازنشستگان، که همه آنان در “اتلاف آمریکایی‌های بازنشسته” و یا در “بازنشستگان فعال در سازمان کارگران فولاد”، فعالیت دارند. علاوه بر آن، عده‌یی از رفقا در حوزه‌های انتخاباتی اتحادیه‌های کارگری فعالیت دارند و عده‌یی نیز رهبران منتخب

## ادامه حضور نماینده حزب توده ایران ...

## رفقای گرامی،

کشور ما ایران این روزها فصل بسیار پیچیده و دشواری از تاریخ خود را می‌گذراند که در آن جنبش مردمی در راه دموکراسی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی با وجود همه دشواری‌ها به مبارزه خود ادامه می‌دهد. پیامد سیاست‌هایی که دولت احمدی‌نژاد دنبال کرد و منجر به انزوای بین‌المللی ایران شد، زمینه را برای تحمیل جنایتکارانه تحریم‌های ویرانگر و غیرانسانی آمریکا و به ورشستگی کشاندن اقتصاد ایران را فراهم کرد، و فقر و فلاکت برای میلیون‌ها ایرانی به بار آورد. هدف کلیدی انتخابات ریاست جمهوری خرداد ماه سال گذشته در ایران که توسط رژیم مهندسی شده بود، گذار از حکومت نولیبرالی فاجعه‌بار و ظالمانه احمدی‌نژاد به یک دولت قابل قبول در عرصه بین‌المللی و "معتدل" در صحنه داخلی بود. نارضایتی فزاینده توده‌ها در نتیجه وضعیت وخیم اقتصادی، رژیم ایران را تهدید به انفجار اجتماعی می‌کرد، که تغییری در سمتگیری حرکت رژیم را ناگزیر کرد.

از جمله اهداف برنامه‌ریزی دقیق انتخابات ریاست جمهوری ژوئن پارسال این بود که رژیم ایران از انزوا بین‌المللی بیرون آورده شود. یکی از هدف‌های کلیدی رژیم در مهندسی انتخابات، بر سر کار آوردن دیپلماتی باتجربه بود که بتواند در جهت عادی‌سازی روابط با آمریکا حرکت کند. حزب ما ضمن آنکه از کاهش تنش میان دولت‌های ایران و آمریکا و پایان دادن به تحریم‌ها پشتیبانی می‌کند، اما با هر حرکتی که هدفش تسهیل و ادامه بقای دیکتاتوری حاکم در همزیستی با امپریالیسم آمریکا باشد، مخالف است.

به نظر ما، سیاست خارجی آمریکا دیگر "اسلام سیاسی" را یک تهدید راهبردی نمی‌داند. قصد دولت آمریکا حفظ کنترل بی‌رقیبتی بر ذخایر حیاتی انرژی در منطقه خاورمیانه، و در ضمن جلوگیری از دسترسی اقتصادهای نوظهور و رقیبان دیگر به این ذخایر است. برای رسیدن به این هدف، امپریالیسم آمریکا و متحدانش به تقویت نیروهای ارتجاعی در خاورمیانه ادامه می‌دهند.

اکنون، با گذشت بیش از یک سال از انتخابات ریاست جمهوری، تمام شواهد حاکی از آن است که رژیم دین‌سالار ایران قادر به ارائه راه‌حلی برای دشواری‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران نیست.

## رفقای گرامی،

ششمین کنگره حزب توده ایران بر سیاست خود در امر پیشبرد مبارزه در راه حقوق و آزادی‌های دموکراتیک در ایران از طریق بسیج نیروهای اجتماعی تأکید کرد. هدف ما در نبرد در راه صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی در ایران، ایجاد شرایطی است که در آن بتوان قابلیت‌های انسانی و طبیعی کشور را برای ساختن جامعه‌ای مترقی، شکوفا و عادلانه آزاد کرد و به کار گرفت. گام کلیدی در این نبرد، پایان دادن به دیکتاتوری (رژیم ولایت فقیه) است که با اعمال سیاست‌های ورشکسته اقتصادی و اجتماعی‌اش کشور را به زانو درآورده است.

حزب ما بر این باور است که فقط از راه بسیج گسترده‌ترین طیف نیروهای اجتماعی علیه امپریالیسم و نیروهای ارتجاع است که می‌توان صلح و پیشرفت را در ایران و در منطقه تأمین و تضمین کرد.

بار دیگر، یکی از چالش‌های عمده حزب ما و همه نیروهای ترقی‌خواه ایران این است که چگونه می‌شود نیروهای اجتماعی و به‌ویژه طبقه کارگر را به صحنه مبارزه آورد. هشت سال سرکوب شدید توسط نیروهای امنیتی رژیم، به‌علاوه تفرقه در میان "جنبش اصلاح‌طلبی"، دشواری‌های زیادی را بر به چالش کشیدن رژیم "ولایت فقیه" فراهم است. با وجود این، نشانه‌های امیدوارکننده‌ای دیده می‌شود حاکی از آن که طبقه کشور به پایم خیزد و مبارزه‌اش را برای داشتن سندی‌های مستقل و به دست آوردن حقوق اقتصادی و اجتماعی شدت بخشیده است. این مبارزه، حمایت تمام و کمال ما را می‌طلبد. فعالیت حزب ما متمرکز بر بسیج کارگران، زنان و جوانان، و کنش و جنبش متحد آنهاست. این امر پیش‌نیازی است برای موفقیت کارزار در راه تحقق دگرگونی‌های دموکراتیک در ایران، که به نوبه خود راه را برای پیشبرد دموکراسی و عدالت اجتماعی هموار خواهد کرد.

ما به تلاش خود برای سازمان‌دهی توده‌ها ادامه می‌دهیم، و اعتقاد راسخ داریم که جنبش اعتراضی مردمی کنونی، اگر سازمان بیابد و متحد شود، می‌تواند به تغییرهای بنیادی، دموکراتیک و پایدار در جامعه ما منجر شود.

که شرکت کنندگان در کنگره از آن دیدن کردند، "میدان بازار علف" بود، یعنی محلی که تظاهرات ۴ ماهه ۱۸۸۶ میلادی در آن برگزار شد. در آن تظاهرات کارگران که پلیس شیکاگو به طرز وحشیانه‌ای به آن حمله کرد، عامل تحریکی آن بمب مشهور را پرتاب کرد. متعاقب این حادثه، حمله‌ی گسترده و سرتاسری به جنبش کارگری آمریکا آغاز گردید و هشت رهبر سندیکایی در شیکاگو دستگیر و زندانی شدند. این هشت رهبر سندیکایی دستگیر شده در دادگاهی ساختگی محاکمه و به مرگ محکوم شدند. به‌رغم استیفاف‌خواهی‌های جهانی، چهار تن از این هشت رهبر و فعال سندیکایی به‌دار آویخته شدند، یکی از آنان در زندان به قتل رسید، و سه رهبر و فعال سندیکایی دیگر نیز به تحمل زندان‌هایی طولانی مدت محکوم شدند. در ماه جولای ۱۸۸۹، در جشن صد سالگی انقلاب فرانسه در پاریس، انجمن بین‌المللی کارگران به یاد کارگران شهید شیکاگو و در حمایت از جنبش هشت ساعت کار در روز، اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) را روز همبستگی جهانی کارگران اعلام کرد، و همین اعلام، منشأ روز جهانی کارگران شد.

برای ادای احترام به کارگر جان‌باخته شیکاگو، مکان دومی که شرکت کنندگان در کنگره از آن دیدن کردند، "آرامگاه منزل جنگلی" در پارک جنگلی ایلینویز بود. این آرامگاه به محل خاص دیدار برای کارگران جهان تبدیل شده است. از زمانی که کارگران شهید در آن محل به خاک سپرده شده‌اند، عده زیادی از فعالان و مبارزان کارگری دیگری - با گرایش‌های متفاوت، و از جمله سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها - نیز در جوار این آرامگاه به خاک سپرده شده‌اند. عده زیادی از رهبران حزب کمونیست آمریکا نیز در کنار آرامگاه شهدای "بازار علف" دفن شده‌اند. میهمانان خارجی تاج گل‌هایی در "میدان بازار علف" و آرامگاه شهدا گذاشتند، و گشت تاریخی کارگری با خواندن سرود انترناسیونال به‌وسیله شرکت کنندگان به‌پایان رسید.

## از سخنرانی نماینده حزب توده ایران در کنگره حزب کمونیست آمریکا

## رفقای گرامی،

کنگره شما در برش زمانی بسیار دشواری در عرصه جهانی برگزار می‌شود. بحران اقتصادی بی‌سابقه سرمایه‌داری جهانی اقتصاد کشورهای قدرتمند آمریکا و اتحادیه اروپا را کاملاً در هم پیچیده است. بحرانی که از سال ۲۰۰۸ آغاز شد، ناتوانی نظام سرمایه‌داری در یافتن راه‌حل مؤثر برای چنین بحران‌هایی را نشان داد. زحمتکشان و تنگدستان مورد شدیدترین حمله‌ها و تجاوزها به شرایط کار و زندگی‌شان بوده‌اند. ده‌ها میلیون کارگر به سوی بیکاری و فقر رانده شده‌اند، و کاهش و قطع خدمات دولتی وضعیت ناهنجاری را برای زحمتکشان در سراسر دنیای سرمایه‌داری به وجود آورده است. بورژوازی دموکراسی و حقوق دموکراتیک در همه کشورهای سرمایه‌داری در سال‌های اخیر بی‌سابقه بوده است.

در عین حال، شرکت‌های بزرگ سرمایه‌داری با استفاده از وضعیتی که بحران پیش آورده است، دارند تمام بار بحران را بر دوش طبقه کارگر و تنگدستان می‌گذارند. در حالی که تنگدستان فقیرتر می‌شوند، ثروتمندان ثروتمندتر می‌شوند. رسانه‌ها در روز ۱۰ ژوئن ۲۰۱۴ گزارش دادند که میزان ثروت خصوصی در جهان از مرز ۱۵۲ هزار میلیارد دلار فراتر رفته است. بر اساس گزارش منتشر شده توسط "گروه مشاوره بوستن" در ماه ژوئن ۲۰۱۴، شمار میلیونرها در جهان از ۱۳/۷ میلیون خانوار در سال ۲۰۱۲، به ۱۶/۳ میلیون خانوار در سال ۲۰۱۳ رسید (یعنی ۱/۱ درصد تعداد کل خانوارها در جهان).

طبقه کارگر و تنگدستان در سراسر جهان با درک بیهوده و بی‌ثمر بودن نظام سرمایه‌داری، به طور فزاینده‌ای به سوی اعتراض‌های فعال‌تر اجتماعی و اقتصادی روی آورده‌اند. زحمتکشان جهان به صراحت معقول و منطقی بودن الگوی سرمایه‌داری را زیر سؤال می‌برند و خواستار تغییر ریشه‌ی در نظم اقتصادی‌اند.

## دستاوردها و چالش‌های گذار دموکراتیک ملی در آفریقای جنوبی پس از آپارتاید



در بیستمین سال براندازی  
آپارتاید در آفریقای جنوبی و  
به سبب توجه بجایی که به  
رخدادهای این کشور آفریقایی  
در دو دهه اخیر شده است و  
می‌شود، بر آن شدیم که بار  
دیگر گفتگویی با رفقای  
کمونیست آفریقای جنوبی  
داشته باشیم. دشواری‌های

روند دموکراتیک کردن نهادهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی،  
دستاوردهای دو دهه گذشته دولت ائتلافی پس از آپارتاید در مرحله  
ملی و دموکراتیک، ناآرامی‌های کارگری در آفریقای جنوبی، و نقش و  
تأثیر بریکس در اوضاع جهانی، از جمله موضوع‌های مورد توجه در  
آفریقای جنوبی‌اند. **اخیراً فرصتی به یکی از اعضای کمیته مرکزی  
حزب مان دست داد تا دیدار و گفتگویی با کریس ماتالکو،  
مسئول بخش بین‌المللی حزب کمونیست آفریقای جنوبی  
و عضو هیئت سیاسی حزب برادر در ارتباط با رخدادهای  
آفریقای جنوبی و مسائل منطقه و جهان داشته باشیم.  
آنچه در اینجا می‌خوانید، حاصل این گفتگوست.**

**س:** اکنون بیست سال از زمانی می‌گذرد که نلسون  
ماندلا و ائتلاف سه‌گانه به رهبری کنگره ملی آفریقا در  
نخستین انتخابات آزاد آفریقای جنوبی پیروز شدند و گذار  
به مرحله ملی دموکراتیک آغاز شد. به غیر از براندازی  
رژیم آپارتاید از لحاظ سیاسی، این ائتلاف در این مدت  
چه دستاوردهای عمده و چه کاستی‌هایی داشته است؟

ائتلاف سه‌گانه کنگره ملی آفریقا (ANC)، حزب کمونیست  
آفریقای جنوبی (SACP) و کنگره اتحادیه‌های کارگری آفریقای  
جنوبی "کوساتو" (COSATU) سیمای یک آفریقای جنوبی  
دموکراتیک را در "منشور آزادی" (که در سال ۱۹۵۵ [۱۳۳۴] در  
کلیپ‌تاون تصویب شد) ترسیم کرده است. از لحاظ نظری، اجرای این  
امر از راه "انقلاب دموکراتیک ملی" صورت می‌گیرد، که متشکل  
است از مرحله‌های گوناگونی با ویژگی‌های متفاوت، که البته بی‌ارتباط  
با یکدیگر نیستند. ما در حزب کمونیست همیشه بر این امر واقف  
بوده‌ایم که مبارزه در راه دموکراسی و دموکراتیک کردن جامعه، با  
مبارزه در راه برقراری سوسیالیسم پیوند دارد. تحقق حقوق سیاسی نیز  
با مبارزه برای برآوردن نیازهای اساسی مردم ما و تحول بنیادی جامعه  
در آفریقای جنوبی پیوند دارد.

این تحول بنیادی مستلزم آن است که همه پیامدهای گذشته رژیم  
استعماری سرمایه‌داری-آپارتاید در کشور ما زدوده شود تا با گذار از  
آن، بتوان به جامعه دموکراتیک رسید. آن گذشته، به نژادپرستی،  
تبعیض جنسیتی، نابرابری، فقر و رکود یک اقتصاد بیمار آلوده بود، و از  
دشواری‌های ساختاری و ذاتی سیستمی رنج می‌برد که در اساس مانع  
توسعه جامعه دموکراتیک در آفریقای جنوبی و رشد و توسعه یک ملت  
شده بود. در این بیست سالی که در راه برقراری دموکراسی تلاش  
شده است، دستاوردهای زیادی در زمینه دادن خدمات اجتماعی به  
مردم و بازتوزیع عادلانه ثروت (توسط دولت) در میان محرومان و  
آسیب‌دیدگان دوره آپارتاید داشته‌ایم، اما با توجه به دشواری‌های  
وضعیت بحرانی در اقتصادی که از آن دوره به ارث رسیده است، این  
دستاوردها کافی نبوده است. گرفتاری‌های ساختاری و ذاتی یک  
اقتصاد سرمایه‌داری-آپارتاید استعماری دگرگون نشده، دموکراسی  
نوپای آفریقای جنوبی را فلج کرده و مانعی برای پیشروی با سرعت

لازم در راه برآوردن خواسته‌های اکثریت مردم بوده است.  
انتخابات اخیر که در روز ۷ ماه مه [۱۷ اردیبهشت] برگزار شد، و طی آن،  
پنجمین دولت در دوره دموکراتیک پس از آپارتاید تشکیل شد، وظیفه پیشبرد  
دومین مرحله گذار و تحول ریشه‌یی را پیش روی خود قرار داده است، که در  
وهله اول به معنای بررسی مسائل و دشواری‌های ساختاری و نظام‌مندی است که  
حل‌وفصل آنها لازمه تکوین یک آفریقای جنوبی دموکراتیک است. در این  
مرحله، طبقه کارگر انتظار دارد که تغییرهای بنیادی و گذار به مرحله پیشرفته‌تر  
برای برآوردن خواسته‌های آن، با سرعت بیشتری صورت بگیرد.

**س:** در انتخابات سراسری اخیر، که نخستین انتخابات پس از  
مرگ نلسون ماندلا بود، کنگره ملی آفریقا و متحدانش توانستند  
بیشترین تعداد نمایندگان را به پارلمان بفرستند، و پوزیدنت  
جیکوب زوما یک دوره دیگر نیز رئیس‌جمهور خواهد ماند. اما در  
این انتخابات تعداد نمایندگان منتخب کنگره ملی در پارلمان کشور  
۱۵ نماینده کمتر از انتخابات قبلی بود. علت این کاهش و وضعیت  
تازه را چه می‌دانید؟ لطفاً درباره رقیبان انتخاباتی اصلی‌تان، یعنی  
"ائتلاف دموکراتیک" و "رزمندگان آزادی اقتصادی" که در مجموع  
۴۳ کرسی جدید در پارلمان به دست آوردند، برای مان توضیح  
دهید.

در انتخابات اخیر، به‌رغم یورش تبلیغاتی عظیم و کارزار مبارزه منفی‌ای که هر  
دو حزب مخالف و نیز رسانه‌های عمده (سرمایه‌داری) علیه ما به راه انداخته  
بودند، کنگره ملی آفریقا موفق شد باز هم اکثریت آرا را به دست آورد. رسانه‌هایی  
که به آنها اشاره کردم، مثل یک نیروی اپوزیسیون علیه ما موضع گرفته بودند و  
حتی از مردم می‌خواستند که به کنگره ملی رأی ندهند. ولی از سوی دیگر، حزب  
کمونیست از طبقه کارگر و مردم آفریقای جنوبی خواست که به پاس تلاش‌های  
نلسون ماندلا و کریس هانی، که در مرکز توجه هر دو آنها تحقق هدف‌هایی بود  
که در "منشور آزادی" آمده است، به کنگره ملی رأی دهند. در آستانه انتخابات، با  
وجود پیش‌بینی‌هایی که در مورد روند مشارکت در انتخابات می‌شد، درصد  
مشارکت رأی دهندگان در آفریقای جنوبی دموکراتیک در حد خوبی بود، از جمله  
از لحاظ شرکت "آزاد به دنیا آمدگان"، یعنی آنهایی که پس از طرد آپارتاید در  
سال ۱۹۹۴ [۱۳۷۳] به دنیا آمده‌اند. در انتخابات ماه مه امسال، به‌رغم  
پیش‌بینی‌هایی که می‌شد و به‌رغم تشکیل حزب‌هایی مثل "رزمندگان آزادی  
اقتصادی" و حزب موسوم به "بازسازی آفریقای جنوبی" (AGANG)، ائتلاف  
انتخاباتی ما توانست پیشتازی خود و و اکثریت تعداد کرسی‌های کنگره ملی در  
پارلمان را حفظ کند. روندهایی که در مواردی از این قبیل در صحنه بین‌المللی  
دید می‌شود نشان می‌دهد که حزب اکثریت، حمایت مردم را به طور قابل توجهی  
از دست می‌دهد؛ ولی در مورد انتخابات اخیر در آفریقای جنوبی چنین نبود، که  
خود نشان دهنده این واقعیت است که کنگره ملی آفریقا واقعا در دل و جان و  
مبارزه مردم جای دارد.

**س:** در کارپایه سیاسی و اقتصادی کنگره ملی برای ۵ سال آینده  
چه برنامه‌های راهبردی عمده‌ای منظور شده است؟ سمت گیری  
اساسی سیاست‌های اقتصادی-اجتماعی دولت چه خواهد بود؟

دولت جدید متعهد به اجرای "طرح توسعه ملی" است که هدف‌های برنامه‌ی  
۱۵ سال آینده در آن تدوین و تنظیم شده است. هدف اساسی ما رفع بحران  
چندجانبه فقر و نابرابری در آفریقای جنوبی دموکراتیک است. پایه و اساس این  
تلاش، اجرای مرحله دوم گذار بنیادی است.

یکی از هدف‌های "طرح توسعه ملی" کاهش میزان بیکاری از ۹/۲۴ درصد در  
ژوئن ۲۰۱۲ به ۱۴ درصد تا سال ۲۰۲۰ [۱۳۹۹] و به ۶ درصد تا سال ۲۰۳۰ [۱۴۰۹]  
است. برای رسیدن به این هدف‌ها، باید ۱۱ میلیون شغل تازه ایجاد کنیم.  
مجموع میزان اشتغال باید از ۱۳ میلیون به ۲۴ میلیون فرصت شغلی افزایش یابد.  
در ضمن، تولید ناخالص ملی را باید ۷/۲ برابر کنیم، که بدین معناست که در  
مدت ذکر شده، میانگین رشد سالانه تولید ناخالص ملی باید ۵/۴ درصد باشد. به  
عبارت دیگر، تولید سرانه ناخالص ملی باید از ۵۰ هزار رند (واحد پول آفریقای  
جنوبی) در سال ۲۰۱۰ [۱۳۸۹] به ۱۱۰ هزار رند در سال ۲۰۳۰ برسد (به فرض  
ثابت ماندن قیمت‌ها).

**س:** وضعیت در صنعت معدنکاری چگونه است؟ اعتصاب  
معدنکاران در پی ناآرامی‌های کارگری در سال‌های اخیر به کجا



نشست، که علت آن هم پیامدهای بحران اقتصادی ای است که لایحه بندی زحمتکشان را تسریع کرده است، به درآمد آنها لطمه زده است، و درآمد خالص آنها را به میزان چشمگیری کاهش داده است. اکنون یک تیم کاری تشکیل شده است تا همه آنها را که در جنبش سندیکایی فعالیت دارند برای تبادل نظر و حل و فصل این مسئله به یاری بگیرد. هدایت این تیم را سیریل رامافوسا به عهده دارد که معاون صدر کنگره ملی، و دبیر کل پیشین اتحادیه فلزکاران و کنگره ملی [در زمان نلسون ماندلا] است.

**س: آینده آفریقای جنوبی به عنوان یکی از کشورهای عضو "بریکس" را در پیش بردن "تغییرهای بنیادی مترقی" در مرحله "ملی دموکراتیک" دگرگونی‌های کشور چگونه می‌بینید؟ وضعیت آفریقا و جهان چه تأثیرهایی روی این روند خواهد داشت؟**

"بریکس" [گروهی متشکل از برزیل، روسیه، هندوستان، چین و آفریقای جنوبی که کشورهای با اقتصادهای رشدیافته محسوب می‌شوند] بخش مهمی از کارپایه مناسبات جنوب-جنوب است. محور کلیدی برنامه بریکس توسعه بیشتر فعالیت‌های این گروه به عرصه‌هایی فراتر از تبادل های بازرگانی صرف کنونی است. بریکس بالقوه یکی از واکنش‌های "جنوب" [به اوضاع جهانی] است، همان‌طور که تشکیل جنبش غیرمتعهدها در زمان شکل‌گیری‌اش و در تاریخچه درخشانش بوده است. آفریقای جنوبی، مسئولیت ویژه‌ای در قبال بریکس و قاره آفریقا دارد. بقیه اعضای بریکس، یعنی برزیل و چین و هندوستان و روسیه نیز به میزان‌های متفاوتی در مبادله و ارتباط با این قاره فعالیت دارند. آفریقای جنوبی به عنوان یکی از اعضای بریکس [که ۴ سال پیش به این گروه پیوست] می‌تواند کارپایه ای را ارائه دهد که بر اساس آن قاره آفریقا بتواند با تکیه بر وزن سیاسی‌اش در عرصه توازن نیروها در جهان، پیوندهای جدی و مفیدی را به طور منظم و سازمان‌یافته با دیگر کشورهای دنیا برقرار کند. روابطی که ما در نظر داریم، متفاوت و متضاد با روابط نابرابری است که کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی، و به ویژه فرانسه و آلمان و انگلستان و آمریکا به‌علاوه ژاپن با قاره آفریقا داشته‌اند و همچنان دنبال می‌کنند. روابط این قدرت‌ها با آفریقا به طور عمده بر اساس مناسبات استعماری تنظیم می‌شود. به همین دلیل، ذخایر و منابع طبیعی قاره آفریقا هنوز به طور جدی برای توسعه اقتصادی این قاره و برقراری ارتباط و مبادله مناسب میان کشورهای قاره استفاده نشده است. یکی از نهادهای ایجاد شده در چارچوب بریکس، بانک توسعه بریکس است که می‌تواند توسعه زیرساخت‌های کشورهای قاره آفریقا را شتاب بخشد و تقویت کند، و شرایطی فراهم آورد که منطقه‌های گوناگون این قاره بتوانند بدون دخالت یک طرف سوم از جهان رشدیافته، با یکدیگر ارتباط و مبادله‌های اقتصادی و بازرگانی داشته باشند. در این صورت، وزن سیاسی بریکس نیز در ایجاد یک جهان چندقطبی، و پذیرش میراث و به حساب آوردن اقتصادهای "کشورهای پیرامونی" از سوی قدرت‌های بزرگ، عامل بسیار مهمی خواهد بود. مبادله با ارزی به غیر از دلار و یورو نیز تأثیر مهمی در از میان بردن مزیت‌های ناعادلانه موجود در نظام مالی جهان خواهد داشت که تا کنون همیشه به سود جهان رشدیافته بوده است.

## ادامه دست آوردها و چالش‌های ...

**کشید؟ برای کاهش تنش و ناآرامی‌ها و برآوردن خواست‌های برحق کارگران چه اقدام‌هایی صورت گرفته است؟**

پیش از وضع تأسفباری که در لومنین-ماریکانا پیش آمد و آن بحران را در بخش صنایع معدنی پیش آورد، دولت دموکراتیک کشور بررسی و اصلاح سیاست‌های مربوط به صنعت معدن را در دستور کار داشت که در سال ۲۰۱۰ انجام شد. لایحه ۲۰۱۳ درباره اصلاح طرح توسعه ذخایر نفتی و معدنی در روز ۲۷ ماه مارس امسال [۷ فروردین ۹۳] در پارلمان کشور و شورای ملی استان‌ها تصویب شد. تاریخ اجرای این قانون پس از امضای رئیس‌جمهور اعلام خواهد شد.

این لایحه شامل تغییرهای مهمی است که در نحوه فعالیت بخش معدن و شرکت‌های خصوصی معدن تأثیر خواهد گذاشت. در این لایحه اختیاری به دولت برای تنظیم مقررات و کنترل بخش معدن داده شده است، و برای نخستین بار، قدرت شرکت‌های معدنکاری محدود شده است. این لایحه از دسامبر ۲۰۱۲ [دی ماه ۱۳۹۱] که برای اظهار نظر مردم منتشر شد، تا پیش از تصویب چهار بار اصلاح شد. بر اساس آنچه در این لایحه آمده است، به منظور تدوین و اجرای مقررات حاکم بر صنعت معدن و تحقق هدف‌های طرح توسعه ملی، وزیر مسئول صنعت معدن ضمن فراهم آوردن شرایط تحول در صنعت معدن و دیگر بخش‌های مرتبط، و توجه به توسعه پایدار و طولانی‌مدت ذخایر معدنی با در نظر داشتن منافع ملی، بهره‌مندی همگانی از ثروت ذخایر معدنی آفریقای جنوبی را تأمین و تضمین کند. برای نمونه، آن طور که در این لایحه آمده است، اگر شرکتی برای بهره‌برداری از یک معدن تقاضا بدهد که در زمین‌های مسکونی یک شهر یا حوالی آنها واقع است، وزیر می‌تواند برای تأمین حقوق و منافع ساکنان محلی، پیش‌شرط‌هایی را برای پذیرش تقاضا معین کند.

از دیگر اصلاح‌های وارد شده در این لایحه، یکی افزایش ایجاد اشتغال است، و دیگر، تغییر نحوه رسیدگی به تقاضاهای شرکت‌های معدنی و اختیار دادن به وزیر در اولویت دادن به رسیدگی به تقاضاهای دریافت شده است. یکی دیگر از اصلاح‌های مهم این است که دولت اجازه می‌یابد دو نفر نماینده در هیئت مدیره شرکت‌های معدنی برگمارد، تا از این راه بتواند بر رعایت قانون جدید در این شرکت‌ها نظارت داشته باشد.

**س: در میان جنبش کارگری، به‌ویژه در "کوساتو" نیز اختلاف‌ها و تفرقه‌هایی دیده شد. کنگره ملی و حزب کمونیست آفریقای جنوبی چه موضع و برخوردی با این مسئله داشتند و الان وضعیت چطور است؟**

تنش‌های موجود در درون جنبش اتحادیه‌ی آفریقای جنوبی ناشی از برداشت نادرست بعضی از اتحادیه‌های کارگری از توازن نیروها در کشور است. ارزیابی و برآورد آنها از آنچه شدنی است، غلوآمیز است و منجر به برداشت اشتباه‌آمیز و گمراهی فاجعه‌بار کارگران متشکل در "کوساتو" شده است. ولی در اتحادیه سراسری فلزکاران "نومسا" (NUMSA) که به همه و هرکس در جنبش ملی و رهایی بخش حمله می‌کند، عناصر ماورای چپ نفوذ کرده‌اند. این چپگرایی افراطی در "نومسا" نیز یک گرایش تاریخی است که به تنش‌هایی بازمی‌گردد که در زمان تشکیل "کوساتو" به وجود آمد، وقتی که اتحادیه فلزکاران از همان سال ۱۹۸۵ [۱۳۶۴] اصرار داشت که "کوساتو" باید "منشور آزادی" را بپذیرد.

حزب کمونیست آفریقای جنوبی نیز به متحد کردن کارگران متشکل در "کوساتو" و همه اتحادیه‌های وابسته آن توجه ویژه ای دارد. لایحه‌بندی جامعه آفریقای جنوبی پس از طرد آپارتاید، از جمله در میان طبقه کارگر و کارگران متشکل، چالش‌هایی را به وجود آورده است که به نظر ما جنبش کارگری هنوز نتوانسته است آن را به طور کامل درک کند و با آن برخورد مناسبی کند. هم کنگره ملی و هم حزب کمونیست آفریقای جنوبی برای ترمیم روابط و کاهش تنش‌ها در جنبش سندیکایی تلاش زیادی کرده‌اند. این دو نهاد سیاسی، هدف راهبردی "طرح توسعه ملی" را در مرکز فعالیت‌های خود برای حفظ وحدت و ائتلاف در میان خود قرار داده‌اند. این تلاش‌ها فوراً به ثمر نخواهد

## ادامه فراخوان حزب کمونیست عراق ...

میهن و مقابله با تروریسم و نیروهای آن مستلزم گردآوری و آماده‌سازی نیروهای مردمی و نیروهای مسلح، و گرفتن موضعی است که پاسخگو و برآورنده منافع عالی میهن و ملت باشد؛ منافع همه عراقی‌ها. هدف باید روشن باشد: شکست دادن تروریسم و رها کردن کشورمان از شر آن، و گشودن چشم‌اندازی روشن به سوی آینده بهتری که مردم عراق آرزوی آن را دارند، و بی‌تردید کاملاً شایسته‌اند. آینده‌های وسیع مردم عراق موضع قاطع خود را اعلام کرده‌اند که می‌توان آن را در مخالفت سراسری با داعش و جنایت‌های آن، خواست فزاینده مقابله با داعش در عرصه‌های ایدئولوژی و سیاسی، موج گسترده داوطلبی برای پیوستن به نیروهای مسلح، و نیز بیانیه‌ها و مواضع سیاسی، و فراخوان برای اتحاد نیروها و غلبه بر اختلاف‌ها و دشواری‌های موجود دید.

"این اشتیاق و جوشش برای مقابله با داعش و دیگر نیروهای تروریستی مشابه آن را باید به‌روشنی و با واقع‌بینی و بی‌غرضی دید و شناخت، و باید از آن برای تنظیم راهبردی استفاده کرد که از اشتباه‌ها و کمبودها و همه آنچه منجر به وضعیت کنونی شد، عاری باشد. این امر مستلزم دنبال کردن سیاستی است که در آن اثری از تقسیم قدرت فرقه‌بی-قومی نباشد، و مستلزم تشکیل دولتی است که فارغ از چنین تقسیم قدرتی باشد. علاوه بر این، طرح همه‌جانبه‌ای باید تنظیم شود که شامل جنبه‌هایی عملی باشد که فعالیت انتظامی و امنیتی را- که لازم است از تعلل و سستی و واپسگرایی و فساد پاک شود- به فعالیت‌های سیاسی انعطاف‌پذیری پیوند بزند و بتواند نیروها را به یکدیگر نزدیک کند، ریشه‌ها و علت‌های تنش در رابطه میان این نیروها را از میان ببرد، مسائل اقتصادی و اجتماعی را حل کند و خدمات همگانی را بهبود بخشد. این طرح باید زدودن همه نمودهای تبعیض و نقض آزادی‌ها و حقوق انسانی را تضمین کند. معیارهای اصلی برای برگمارگی افراد به مقام‌های دولتی، نظامی و امنیتی و انتظامی، باید تخصص حرفه‌ای، مهارت و کاردانی، درستکاری و وفاداری به میهن باشد.

"اکنون که دولت کنونی فقط یک متصدی موقت دولت است، و دوره مجلس قبلی مطابق با قانون به پایان رسیده است و مجلس جدید هنوز تشکیل نشده و کارش را آغاز نکرده است، برای اینکه بتوان با همه دشواری‌های موجود به طور جمعی و مؤثر مقابله کرد و اتحاد نیروهای میهن‌دوست را تأمین کرد، و برای اینکه موضع این نیروها با یکدیگر هماهنگ شود و همه در یک جو همکاری و همبستگی در کنار یکدیگر کار کنند، لازم است که هرچه زودتر در راه تشکیل و برگزاری یک همایش ملی با دستور کار و جدول زمانی کاملاً روشن کام برداشته شود. باید همه نیروها و حزب‌های سیاسی فعال را که خواهان برقراری صلح، امنیت و ثبات، تحکیم و تقویت دموکراسی و استقرار نهادهای دموکراتیک، و تأمین و تضمین آزادی‌های فردی و جمعی هستند، برای شرکت در این همایش دعوت کرد. شرایط کنونی کشور ما ایجاب می‌کند که این همایش ملی هرچه زودتر برگزار شود، و یک نهاد مشورتی موقتی تشکیل دهد تا برای بررسی اوضاع و انجام اقدام لازم درباره آن با دولت همکاری کند، و در ضمن حمایت مؤثر مردم و پشتیبانی آنها از این تلاش ملی برای مقابله با تروریسم و شکست دادن تروریست‌ها را به دست آورد."

حزب توده ایران مقابله با روند واپسگرایی و تروریستی کنونی در عراق و دیگر کشورهای جهان و بازگرداندن صلح و آرامش و نظم به زندگی ملت‌های آسیب دیده، را وظیفه همه نیروهای ترقی‌خواه جهان می‌داند. در عراق، حزب کمونیست از همه نیروهای سیاسی کشور در درون یا بیرون از دایره قدرت دولتی خواسته است که به منظور گفتگو و یافتن راه‌های لازم برای به کار بستن هر تلاش ممکن برای مقابله با مسئله تجاوز تروریست‌ها، هرچه زودتر گرد هم آیند تا بتوان امنیت شهروندان را تأمین کرد، وضعیت پایداری را در کشور ایجاد کرد، و به خواست‌های برحق توده‌های مردم در زمینه عدالت اجتماعی رسیدگی کرد. به اعتقاد حزب برادر، که در برنامه و سندهای آن حزب نیز به کرات آمده است، تنها راه پایان دادن به بحران سیاسی جاری در اداره کشور، پایان دادن به سیستم تقسیم قدرت فرقه‌بی-قومی و بنیاد گذاشتن یک دولت دموکراتیک مدنی است. نیروهای سیاسی مترقی و از جمله کمونیست‌ها همیشه از نخستین قربانیان ناامنی و از هم‌گسیختگی و ترور بوده‌اند.

حزب توده ایران کشتار وحشیانه مردم عراق و یورش لگام گسیخته تروریست‌های داعش را به شدت محکوم و همبستگی کامل خود را با مردم و نیروهای مترقی این کشور و به ویژه حزب کمونیست عراق اعلام می‌کند.

به نقل از "نامه مردم" شماره ۹۴۹

خدمت هدف‌های سیاسی خاص و تسلیم سیاست حاکمان باشد، تأثیر منفی گذاشته است. از جمله اینکه از این تشکیلات در حیطه‌ای بیرون از وظایف آن که در قانون اساسی معین شده است، و برای حل‌وفصل مسائل داخلی استفاده شده است. در نتیجه، این تشکیلات فاقد یک کارپایه و خطمشی روشن و مشخص ملی است، و انسجام داخلی آن خدشه‌دار شده است، که در نتیجه، آن را در برابر دگرگونی‌های سیاسی و در برابر تقابل‌ها و فضای جنگ داخلی به‌شدت آسیب‌پذیر کرده است. این وضع بر قابلیت، کارایی، و نظم تشکیلات نظامی و امنیتی کشور تأثیر گذاشته است، و در رخدادهای اخیر بر توانایی نیروهای مسلح برای ایستادگی در برابر فشارهای غیرمنتظره و بزرگ، تأثیری منفی گذاشت. علاوه بر این، باید به آموزش ناکافی و نامناسب، فعالیت اطلاعاتی ناکارآمد، و فساد و رشوه‌خواری در این تشکیلات اشاره کرد.

"از سوی دیگر، آنچه در موصل رخ داد، تأکیدی است بر اهمیت وجود رابطه مثبت میان تشکیلات نظامی-امنیتی با فضایی که این تشکیلات در آن کار می‌کند- از جمله از لحاظ چگونگی برخورد مقام‌های محلی و شهروندان- و این رابطه‌ای است که وجود نداشت، و به جای آن، یک رابطه تیره و تار، مملو از بی‌اعتمادی و اتهام‌زنی متقابل، حاکم بود.

"ما در عین حال که علت‌ها و پیامدهای آنچه را که رخ داد بیان می‌کنیم، لازم است که به نبود هماهنگی و همکاری میان نیروهای دولت فدرال و نیروهای منطقه کردستان نیز اشاره کنیم و به آن توجه داشته باشیم. وجود ترس و نگرانی، و بدگمانی و سوءظن غیرقابل توجیه میان این دو نیرو مانع ایجاد یک رابطه متقابل نزدیک و دوستانه، و همکاری و حمایت متقابل شد. رخدادهای ناگوار اخیر ضرورت وجود چنان رابطه‌ای را نشان داد، به‌ویژه با توجه به آنکه نیروهای منطقه کردستان توانایی خود را در مقابله مؤثر با تروریسم نشان دادند. از سوی دیگر، به رخدادهای جاری در سوریه و تأثیر منفی آنها بر وضعیت کشور ما توجه کافی نشد. مرزها باز بود و داعش از این وضع برای جمع کردن هوادارانش بهره گرفت، و در عین حال، ارتش نتوانست به نیروهایی که در موصل بودند به‌موقع کمک برساند و از سقوط آن شهر جلوگیری کند. عامل دیگری که به سقوط موصل کمک کرد، وجود "ستون پنجم" بود که کارش تضعیف روحیه مردم و آکندن فضا از روحیه ناکامی و شکست بود.

"به‌علاوه، یک لحظه هم نباید حمایت محلی و منطقه‌ای از داعش و دیگر سازمان‌های تروریستی را فراموش کرد که از آن جمله‌اند حمایت رسانه‌ای و مادی و تدارکاتی و لجستیکی، که آنها هنوز هم از این حمایت‌ها برخوردارند.

"البته مردم ما می‌فهمند که رخدادهای اخیر چه چیزی را آشکار کرد؛ اینکه اگرچه این تهاجم به طور عمده به نام داعش تمام شده است، ولی آنچه در واقع رخ داد، اقدام سازمان یافته یک ائتلاف گسترده بود که سرگرم فعالیت هماهنگ برای در هم کوبیدن روند سیاسی دموکراتیک، بر هم زدن وضعیت کنونی و بازگرداندن عراق به دوره سرکوب، استبداد و دیکتاتوری بوده است، که مردم هنوز دارند هزینه آن را می‌پردازند. قبلاً هم اشاره‌هایی به نشانه‌های حاکی از این نقشه شده بود و هشدارهایی هم داده شده بود، اما چاره‌جویی و اقدام‌هایی که صورت گرفت متأسفانه در حد و اندازه این چالش بزرگ نبود.

"اما همه اینها این واقعیت را عوض نمی‌کند که در موصل بودند کسانی، چه در میان نظامیان و چه در میان مردم غیرنظامی، که با مهاجمان جنگیدند و جان باختند، و عده‌شان هم کم نبود. فداکاری‌های این عده ستودنی است؛ باید آن را گرامی داشت، و باید به خانواده‌های آنها یاری رساند.

"امروز، در این لحظه‌های حساسی که کشور ما از سر می‌گذراند، باید بر این امر تأکید کرد که حفظ و تضمین وحدت



## فراخوان حزب کمونیست عراق برای برگزاری فوری یک همایش ملی به منظور مقابله با تروریسم

مردم عراق در هفته های اخیر با شرایط سختی روبرو بوده اند. تهاجم نیروهای وابسته به تروریست های "داعش"، که مورد حمایت دولت های ارتجاعی منطقه است، در هماهنگی با طرفداران اعاده دیکتاتوری بعثی در عراق، به مناطق



مرکزی کشور ادامه دارد. یکپارچگی عراق به طور جدی در معرض تهدید های جدی می باشد. دولت اسلامی بی کفایت "نوری المالکی" با سیاست های سکتاریستی خود در ۸ سال گذشته عراق را به لبه پرتگاه تجزیه کشانده است. گزارش های متعددی از تصمیم رژیم ولایی به مداخله نظامی در عراق و هماهنگی های پر دامنه دولت روحانی با ایالات متحده برای تثبیت شرایط به نفع دولت مرکزی عراق در دست است. حزب توده ایران تحول های عراق را از نزدیک و در تبادل نظر با حزب کمونیست عراق دنبال می کند. در ادامه مطلب تحلیلی منتشر شده در شماره قبلی نامه مردم، در زیر ترجمه بیانیه اخیر حزب برادر در صورت اقدام متحد برای نجات عراق در شرایط کنونی، برای اطلاع خوانندگان انتشار می یابد.

مهم ترین بخش های این مقاله است. "در نتیجه تهاجم خائنانه جنایتکاران داعش به موصل و ریزش ناگهانی و سریع نیروهای نظامی در پی این تهاجم، تأثیر نظامی-امنیتی، سیاسی و روحی-روانی این تهاجم و تجاوز بر شهروندان عراق و بر کل جامعه عراق، و تأثیر منفی آن بر چشم انداز حل و فصل بحران عمیقی که کشور با آن روبروست، اکنون کشور ما شاهد رخداد های خطرناکی است و در وضعیت وخیمی قرار دارد. همه نیروها، حزب ها و شهروندانی که احساس مسئولیت می کنند هم عقیده اند که آنچه کشور ما را به این وضعیت فاجعه بار کشانده است، رشته ای از عامل ها و علت های گوناگونی است که بر هم تأثیر متقابل دارند و در ضمن ارتباط تنگاتنگی با شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و روانی غالب بر جامعه و بحران عمیقی دارند که کشور با آن دست به گریبان است. این وضعیت خراب را می توان در بن بست موجود و تنش های شدید و عدم اعتماد و اطمینان در میان گروه های سیاسی، در روابط سرد و تیره میان منطقه کردستان و دولت مرکزی، و نیز میان دولت مرکزی و شماری از استان های کشور مشاهده کرد. از جمله عوامل دیگری که این وضع را وخیم تر کرده است عبارتند از: وخیم تر شدن پیامدهای ویرانگر سیاست تقسیم قدرت فرقه ای-قومی، نمود فزاینده یک حاکمیت خودکامه، انحصار قدرت، محرومیت نیروهای سیاسی، نادیده گرفتن ها و اتهام زنی ها، جنگ بر سر مقام های دولتی، پارتی بازی و اعمال نفوذ، فساد لگام گسیخته، سوءمدیریت، خدمات دولتی ناکافی و نامناسب، میزان زیاد بیکاری، و فقر. به علاوه، باید از مداخله خارجی و برخورد و تضاد منافع دولت های دیگر در کشور ما، و برضد منافع میهن و ملت ما، یاد کرد. "همه اینها، و نیز عوامل متعدد دیگر، بر تشکیلات نظامی و انتظامی و امنیتی کشور که بر اساس تقسیم قدرت فرقه ای ساخته شده است تا در

حزب کمونیست عراق خواستار برگزاری هرچه زودتر یک همایش ملی سراسری در عراق و تشکیل یک نهاد مشورتی موقتی شده است تا با جلب حمایت مؤثر توده ها بتوان تروریسم را شکست داد.

در سرمقاله روز ۱۹ ژوئن (۲۹ خرداد) روزنامه "طریق الشعب" (راه مردم)، تشریح حزب کمونیست عراق، آمده است که دولت کنونی عراق اکنون یک متصدی موقت دولت است، چون دوره مجلس قبلی به پایان رسیده است، ولی مجلس جدید (پس از انتخابات ۱۰ اردیبهشت) هنوز تشکیل نشده و کار خود را آغاز نکرده است. به نوشته سرمقاله طریق الشعب، "برای اینکه بتوان با همه دشواری های موجود به طور جمعی و مؤثر مقابله کرد و اتحاد نیروهای میهن دوست را تأمین کرد، و برای اینکه موضع این نیروها با یکدیگر هماهنگ شود و همه در یک جو همکاری و همبستگی در کنار یکدیگر کار کنند، لازم است که هرچه زودتر در راه تشکیل و برگزاری یک همایش ملی با دستور کار و جدول زمانی کاملاً روشن گام برداشته شود. باید همه نیروها و حزب های سیاسی فعال را که خواهان برقراری صلح، امنیت و ثبات، تحکیم و تقویت دموکراسی و استقرار نهادهای دموکراتیک، و تأمین و تضمین آزادی های فردی و جمعی هستند، برای شرکت در این همایش دعوت کرد. شرایط کنونی کشور ما ایجاب می کند که این همایش ملی هرچه زودتر برگزار شود، و یک نهاد مشورتی موقتی تشکیل دهد تا برای بررسی اوضاع و انجام اقدام لازم درباره آن با دولت همکاری کند، و در ضمن حمایت مؤثر مردم و پشتیبانی آنها از این تلاش ملی برای مقابله با تروریسم و شکست دادن تروریست ها را به دست آورد."

سرمقاله ۲۹ خرداد طریق الشعب به طور مفصل به توضیح و تحلیل رخداد های اخیر عراق پرداخته است. آنچه در زیر می خوانید، گزیده

ادامه در صفحه ۱۵

### کمک های مالی رسیده

۲۰۰ دلار

۱۰۰ یورو

کمونگرای نوین

به یاد رفیق طبری

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany آدرس های پستی:  
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
http://www.tudehpartyiran.org آدرس های اینترنت و "ای-میل"  
E-Mail: dabirxhaneh\_hti@yahoo.de

**Nameh Mardom No. 950**  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

30th June 2014

شماره فاکس و تلفن  
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰  
۲۳۶۲۹۷۲۷

حساب بانکی ما:

نام حساب: Iran e.V.  
بانک: Berliner Sparkasse  
کد بانک: 100 500 00  
شماره حساب: 790020580  
IBAN: DE35 1005 0000  
0790 0205 80  
BIC: BELADEBEXXX